



ویژه نامه جنگ رمضان

شماره دوم



مجلس شورای اسلامی
معاونت پژوهش



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی



ویژه نامه جنگ رمضان شماره دوم

تهیه و تدوین: حوزه ریاست و روابط عمومی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

تاریخ انتشار: اسفند ۱۴۰۴ - اردیبهشت ۱۴۰۵

نشانی: قم، پردیسان، انتهای بلوار دانشگاه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

کد پستی: ۳۷۴۹۱۹۳۸۰۹

پست الکترونیکی: info@isca.ac.ir

وب سایت: www.isca.ac.ir

کانال اطلاع رسانی: <https://eitaa.com/isca24>

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۳۶۸۸

فهرست:

- ۲.....سرمقاله
- ۳.....نوآوری های علمی امام شهید در اندیشه سیاسی
- ۱۰.....سلسله یادداشت های تحلیلی
- ۲۰.....هم اندیشی های علمی با موضوع جنگ رمضان
- ۳۶.....کتاب های پژوهان در خصوص رهبر شهید و جنگ رمضان
- ۳۷.....تبیین علمی اندیشه امام شهید در نشریات علمی پژوهشگاه
- ۳۹.....معرفی کانال های اعضای هیأت علمی و محققین
- ۴۰.....معرفی کانال های پژوهشکده ها

سرمقاله

«جنگ رمضان» نامی است بر سومین رویارویی تمام عیار جبهه استکبار با جمهوری اسلامی ایران؛ رویارویی‌ای که این بار نه فقط در میدان سنتی نبرد، بلکه در ترکیبی از جنگ سخت، جنگ اقتصادی، جنگ شناختی و جنگ نیابتی شکل گرفت. این جنگ، ادامه سلسله تقابل‌هایی بود که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد و در هر مرحله با شکل و شگردی جدید دنبال شد. با پایان ظاهری این نبرد چندبعدی، آنچه بیش از هر چیز خود را نشان داد، برهم خوردن موازنه تاریخی قدرت به سود ایران و آشکار شدن نشانه‌های افول اقتدار آمریکا در نظم جهانی بود؛ کشوری که دهه‌ها خود را «برهم‌زننده» همه معادلات می‌پنداشت، اما این بار در برابر اراده ملتی ریشه‌دار و مقاوم دچار فرسایش و شکست شد.

جنگ رمضان اگرچه در ظاهر، مرحله‌ای از یک تقابل امنیتی و نظامی بود، اما در واقع، نقطه‌ای تعیین‌کننده در بازتعریف معادلات منطقه‌ای و جهانی به شمار می‌رود. این جنگ نشان داد که دوران یک‌تازی قدرت‌های سلطه‌گر رو به پایان است و ملت‌هایی که بر سرمایه‌های هویتی، فرهنگی و تمدنی خود تکیه دارند، می‌توانند در برابر پیچیده‌ترین طراحی‌های دشمن ایستادگی کنند. آنچه در این میدان رقم خورد، صرفاً ناکامی یک عملیات یا شکست یک راهبرد نظامی نبود؛ بلکه شکست پروژه‌ای چندلایه برای تضعیف اراده ملت ایران و محور مقاومت بود.

در این میان، یکی از مهم‌ترین ابعاد جنگ رمضان، آشکار شدن ظرفیت عظیم ملت ایران در عبور از بحران‌های ترکیبی و پیچیده بود. دشمن تلاش کرد با تلفیق فشارهای اقتصادی، عملیات رسانه‌ای، تحرکات امنیتی و تهدیدات نظامی، جامعه ایرانی را دچار اضطراب، چنندستگی و فرسایش روانی سازد؛ اما آنچه در عمل شکل گرفت، تقویت انسجام ملی، افزایش خودآگاهی تاریخی و احیای روح مقاومت بود. این تجربه بار دیگر اثبات کرد که سرمایه اصلی جمهوری اسلامی، نه صرفاً ابزارهای قدرت سخت، بلکه پیوند عمیق مردم با هویت دینی، ملی و انقلابی خویش است.

اکنون و در مرحله پسا جنگ، رسالت نهادهای علمی و پژوهشی اهمیتی دوچندان می‌یابد. جنگ‌ها تنها در میدان نبرد پایان نمی‌یابند؛ بلکه بخش مهم‌تری از آن‌ها در میدان روایت، تحلیل، حافظه تاریخی و تولید معنا ادامه پیدا می‌کند. اگر مجاهدت رزمندگان و فرماندهان در میدان نبرد، امنیت و عزت ملی را تثبیت کرد، وظیفه اندیشمندان، پژوهشگران و مراکز علمی آن است که ابعاد مختلف این تجربه تاریخی را تبیین، تحلیل و صورت‌بندی علمی کنند تا سرمایه عظیم فکری و تمدنی آن برای نسل‌های آینده حفظ شود.

از همین منظر، جنگ رمضان صرفاً یک «حادثه» نیست که در حافظه سیاسی یک دوره محدود بماند؛ بلکه یک «پدیده تمدنی» است که باید از زوایای مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، رسانه‌ای، امنیتی و الهیاتی مورد مطالعه قرار گیرد. امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند تولید ادبیات علمی متناسب با تجربه مقاومت هستیم؛ ادبیاتی که بتواند منطق ایستادگی ملت ایران را تبیین کرده و الگوی جدیدی از نسبت میان ایمان، مردم‌سالاری، اقتدار و استقلال را به جهان معاصر ارائه دهد.

در چنین شرایطی، مسئولیت پژوهشگاه‌ها و مراکز علمی تنها ثبت وقایع نیست، بلکه تولید فهم عمیق از تحولات تاریخی و آینده‌پژوهی نسبت به مسیر پیش‌روی انقلاب اسلامی است. تجربه جنگ رمضان نشان داد که دشمنی جبهه استکبار با جمهوری اسلامی، مقطعی و محدود نیست، بلکه ریشه در تعارضات بنیادین تمدنی دارد. از این رو، شناخت ابعاد این تقابل و ارائه راهکارهای نظری و عملی برای مواجهه با آن، بخشی از رسالت مستمر نهادهای فکری و فرهنگی کشور به شمار می‌رود.

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با آغاز جنگ تحمیلی سوم، و همزمان با شهادت قائد امت، آیت الله العظمی امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، به همت پژوهشکده‌ها و مراکز تابعه، اعضای هیأت علمی و محققین، توانست اقدامات مختلفی نظیر استخراج نوآوری‌های علمی امام شهید، یادداشت‌های تحلیلی مرتبط با جنگ از زوایای مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، تمدنی و ...، هم‌اندیشی‌ها و نشست‌های علمی مختلف، معرفی کتب و مقالات مختلف مرتبط با مسائل روز و همچنین اندیشه امام شهید و ... را انجام دهد که این فعالیت‌ها کماکان تداوم دارد. روابط عمومی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تلاش نموده حاصل این فعالیت‌ها را در قالب ویژه نامه جنگ رمضان، تدوین و منتشر نماید که این نسخه، شماره دوم ویژه نامه رمضان بوده که تقدیم فرهیختگان عزیز می‌شود. در پایان از ریاست محترم دفتر تبلیغات اسلامی، ریاست محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مدیران، اعضای هیأت علمی و محققین عزیز که با حمایت خود در تولید محتوای این مجموعه همت گذاشتند و از کارشناسان فن‌آوری، رسانه و روابط عمومی که در تولید و انتشار اثر موجود، فعالیت شایانی داشتند، تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

مرتضی غرسبان

رئیس حوزه ریاست و روابط عمومی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

«نواوری‌های علمی امام شهید در اندیشه سیاسی»

با مشارکت مرکز مطالعات راهبردی خبرگزاری تسنیم و
پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی





پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی به مناسبت
چهلمین روز شهادت امام شهید منتشر می‌کند.

سلسله یادداشت‌های علمی
«نوآوری‌های علمی امام شهید در اندیشه سیاسی»
یادداشت شماره ۶

فلسفه در امتداد حیات

رویکرد عقلانی - اجتماعی رهبر شهید در تداوم حکمت اسلامی

دکتر نجمه کیخا
عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی



فلسفه در امتداد حیات: رویکرد عقلانی - اجتماعی رهبر شهید در تداوم حکمت اسلامی

نجمه کیخا، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

از جمله در ارائه طرحی جامع از دین و توحید با در نظر داشتن شئون مختلف زندگی بشر، و نیز در پرداختن به عقلانیت و آزاداندیشی در حوزه‌های گوناگون، به گونه‌ای که میتوان بحث از «عقلانیت انقلابی گرایانه» را در سخنان ایشان بازجست ...

[متن کامل یادداشت](#)

رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، فیلسوف، به معنای مصطلح آکادمیک نبودند و به صورت حرفه‌ای در رشته‌ی فلسفه به بحث و تألیف نپرداختند، اما با مباحث فلسفی، آشنایی عمیق داشته، به لوازم آن پایبند بوده و به بسط، گسترش و امتداد فلسفه در جامعه علاقه‌مند بودند. روح حاکم بر مباحث فلسفه‌ی اسلامی، در آثار ایشان جاری است؛



پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی به مناسبت
چهلمین روز شهادت امام شهید منتشر می‌کند.

سلسله یادداشت‌های علمی
«نوآوری‌های علمی امام شهید در اندیشه سیاسی»
یادداشت شماره ۷

حکمت و مصلحت

ارکان اندیشه‌ی فقهی شهید خامنه‌ای در تبیین آتش بس (هَدَنَه)

دکتر علی شیرخانی
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قم



حکمت و مصلحت؛ ارکان اندیشه‌ی فقهی شهید خامنه‌ای در تبیین آتش بس (هَدَنَه)

علی شیرخانی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قم

صلح و ترک کارزار و دست‌کشیدن از جنگ با کافران تا مدت معلومی را «هَدَنَه» و «مهاده» تعریف کرده‌اند. شهید ثانی نیز در شرح لمعه بر این باور است که مهاده را باید امام یا کسی که امام او را برای عقد قرارداد منصوب کرده، امضا کند و قرارداد مهاده تنها با کسانی که «جایز القتل» (نه واجب القتل) باشند، منعقد می‌گردد ...

[متن کامل یادداشت](#)

در آموزه‌های اسلامی، از جهاد به «جهاد دفاعی» و «جهاد ابتدایی» یاد می‌شود که رهبر شهید در کنار این دو واژه، «جهاد تبیین» را نیز اضافه کرده‌اند. اما جهاد، به‌ویژه نوع دفاعی آن، در برخی اوقات منجر به آتش بس و متارکه جنگ می‌شود که از آن در فقه اسلامی به «مهاده» و «هَدَنَه» تعبیر شده است؛ هرچند این واژه در اصل به معنای سکون و برای بیان صلح موقت میان مسلمانان و گروهی از کافران حربی به کار می‌رود. شیخ طوسی در المبسوط و علامه حلی در تذکره الفقهاء، قرارداد



پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی به مناسبت
چهلمین روز شهادت امام شهید منتشر می‌کند.
سلسله یادداشت‌های علمی
«نوآوری‌های علمی امام شهید در اندیشه سیاسی»
یادداشت شماره ۸

شهید آیت‌الله خامنه‌ای و نظریه‌ی پیشرفت سیاسی

دکتر عبدالوهاب فراتی
عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی



شهید آیت‌الله خامنه‌ای و نظریه‌ی پیشرفت سیاسی

عبدالوهاب فراتی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

تلاشی برای ارائه‌ی مدلی بومی، مستقل و غیرغربی در عرصه‌ی حکمرانی است. ما در این نوشتار بر آنیم تا تبیین کنیم که چگونه مفهوم پیشرفت، به مثابه‌ی هسته‌ی مرکزی یک «پروژه‌ی سیاسی-تمدنی»، راه‌سومی را در مقابل الگوهای لیبرال و استبدادی می‌گشاید و نظریه‌ی «مردم‌سالاری دینی» را به عنوان راهبرد اصلی خود معرفی می‌کند...

[متن کامل یادداشت](#)

در مطالعات علوم سیاسی معاصر ایران، یکی از دغدغه‌های جدی ما، فهم منطق دگرگونی‌هایی است که پس از انقلاب اسلامی در مفاهیم حکمرانی پدید آمد. پرسش بنیادین این است که چرا نظام سیاسی جمهوری اسلامی و در رأس آن آیت‌الله خامنه‌ای، به شکلی عامدانه از به‌کارگیری واژه‌ی «توسعه» پرهیز کرده و مفهوم «پیشرفت» را جایگزین آن ساخته‌اند؟ این جابه‌جایی، صرفاً یک بازی زبانی یا تغییر اصطلاحی نیست؛ بلکه نشان‌دهنده‌ی یک «دگرگونی پارادایمی عمیق» و



پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی به مناسبت
چهلمین روز شهادت امام شهید منتشر می‌کند.
سلسله یادداشت‌های علمی
«نوآوری‌های علمی امام شهید در اندیشه سیاسی»
یادداشت شماره ۹

تقیّه در ترازوی فقه سیاسی؛ بازخوانی یک قاعده‌ی راهبردی در اندیشه‌ی فقهی شهید خامنه‌ای

دکتر روح‌الله شریعتی
عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی



تقیّه در ترازوی فقه سیاسی؛ بازخوانی یک قاعده‌ی راهبردی در اندیشه‌ی فقهی شهید خامنه‌ای

روح‌الله شریعتی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

فقهی، تقیه چگونه از یک «کنش فردی ناشی از اضطرار» به یک «اصل راهبردی در دیپلماسی» بدل می‌شود؟ با تکیه بر دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، می‌توان تبیین کرد که تقیه نه تنها به معنای انزوا نیست، بلکه فلسفه‌ی وجودی آن، رساندن امت اسلامی به اهداف عالیه در فضای پرمخاطره‌ی بین‌المللی است...

[متن کامل یادداشت](#)

در فقه سیاسی اسلام، تنظیم روابط و تعاملات فی‌مابین افراد و حاکمیت‌ها بر پایه‌ی قواعدی استوار است که حکم «قانون» را دارند و هدفشان فراتر از نظم‌دهی صرف، دستیابی به شفافیت و کارآمدی در مناسبات قدرت است. در این میان، قاعده «تقیّه» از جمله‌ی قواعد پرکاربرد است که نه تنها در سیاست داخلی و تعامل با اقلیت‌ها، بلکه در ساحت سیاست خارجی و مواجهه‌ی دولت اسلامی با بیگانگان و دشمنان، نقشی کلیدی ایفا می‌کند. با این حال، پرسش بنیادین اینجاست که در قرائت اصیل



مردم سالاری دینی در فقه سیاسی آیت الله سید علی خامنه‌ای

منصور میراحمدی، استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

مردم سالاری دینی را در تداوم و تکامل مفهوم جمهوری اسلامی مطرح کرد. آیت الله خامنه‌ای بر خلاف بسیاری از طرفداران دموکراسی اسلامی در جهان اسلام و مردم سالاری دینی در ایران، از رویکرد تلفیقی پرهیز کرده و با رویکردی بسیط به طرح این مفهوم پرداخت. در این نوشتار کوتاه، به اختصار گزارشی از تلاش نوآورانه ایشان در طرح مردم سالاری دینی را مرور خواهیم کرد...

[متن کامل یادداشت](#)

فقه سیاسی معاصر ایران با انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ وارد مرحله‌ای نو شد که در آن، «مردم» در جایگاه مؤسس نظام سیاسی دینی ظاهر شدند. این امر موجب طرح الگوی مردم سالاری دینی برای اولین بار در فقه سیاسی معاصر ایران گردید. از رهبران فکری و نظری این دوره پس از امام خمینی، آیت الله سید علی خامنه‌ای با تأکید بر مفهوم «مردم سالاری دینی»، کوشیده است تا پیوند میان دین و مردم را در چارچوب فقه سیاسی اسلام تبیین کند. وی در تداوم اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی، مفهوم



باورمندی عمیق رهبر شهید انقلاب اسلامی نسبت به قطعیت سنت‌های الهی در نصرت

مؤمنین در نبرد حق و باطل با تکیه بر آیات قرآن کریم

عبدالله نظرزاده، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

ثابت و تغییرناپذیر معرفی می‌کند. تأکیدات رهبر شهید انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که نصرت الهی، امری حتمی و قطعی است، اما تحقق آن مشروط به عواملی همچون ایمان و اخلاص، نصرت دین خدا، صبر و استقامت، تقوا و احسان و جهاد در راه الهی است...

[متن کامل یادداشت](#)

رهبر شهید انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای (قدس سره) با تأکید بر یکی از محوری‌ترین آموزه‌های قرآن کریم، به تبیین سنت‌های الهی حاکم بر تاریخ و جامعه، به ویژه در عرصه‌ی تقابل جبهه‌ی حق و باطل پرداخته‌اند. در این میان، «نصرت الهی مؤمنان» در سخنان و رهنمودهای ایشان جایگاهی ویژه دارد که با استناد به قرآن آن را در قالب قواعد



فلسفه سیاسی امام شهید آیت الله خامنه‌ای

احمد رضا یزدانی مقدم، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

در این مختصر، به دیدگاه رهبر شهید آیت الله خامنه‌ای درباره‌ی چند موضوع در ارتباط با اندیشه‌ی سیاسی علامه طباطبایی، میرزای نائینی، ولایت فقیه، جایگاه و نقش مردم در سیاست پرداخته می‌شود. مقصود از این نوشتار تقدیر از نقش پیشرو رهبر شهید در حمایت و گشودن راه و تأکید بر اهمیت فلسفه‌ی سیاسی و اندیشه‌ی سیاسی بود. رهبر شهید از این جهت دین

[متن کامل یادداشت](#)

بزرگی بر این دو دانش داشته و کوشندگان در این عرصه‌های دانشی وام‌دار حمایت‌ها و راه‌گشایی‌های آن رهبر شهید هستند. در این مختصر تلاش می‌شود که اندک ادای دینی به اندیشمند شهید آیت الله خامنه‌ای گردد و به این جنبه مغفول در کارنامه آن بزرگوار توجه داده شود...



تحول فقه سیاسی از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای

سید سجاد ایزدهی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

متناسب با زمان حاضر نیز منتفی خواهد بود: «فقیه امروز علاوه بر شرایطی که در ۹۰۰ سال پیش، هزار سال پیش باید یک فقیه می‌داشت لازم است شرط هوشمندی و هوشیاری و آگاهی از جامعه را داشته باشد. این خصوصیتی است که احساس می‌کنیم وجود دارد و الا اصول و ارکان اجتهاد و تفقه امروز با هزار سال پیش فرقی نکرده، اصول همان اصول است».

[متن کامل یادداشت](#)

آنچه موجب تحول فقه شده و فقه زمان حاضر را با زمان گذشته متفاوت کرده است تفاوت نگرش و نوع نگاه متفاوتی است که فقیهان زمان حاضر و گذشته به موضوع و مسأله داشته‌اند. آیت الله خامنه‌ای ضمن تأکید بر لزوم وجود شرایطی غیر از شرایطی که فقیهان در عصر گذشته داشتند، ملاک تمایز فقه و اجتهاد در زمان حاضر (با وجود اشتراک در اصول و ارکان) را در نوع نگاه متفاوت به کتاب و سنت میدانند، به گونه‌ای که اگر این نگاه و نگرش جدید وجود نداشته باشد، از اساس استنباطی



پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی به مناسبت
چهلمین روز شهادت امام شهید منتشر می‌کند.

سلسله یادداشت‌های علمی
«نوآوری‌های علمی امام شهید در اندیشه سیاسی»
یادداشت شماره ۱۴

**مفاهیم کلیدی فلسفه‌ی سیاسی در بیانات
امام شهید حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای**

دکتر رجبعلی اسفندیار
عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی



مفاهیم کلیدی فلسفه‌ی سیاسی در بیانات امام شهید حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

رجبعلی اسفندیار، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

امام شهید چارچوبی فکری برای فهم نظام سیاسی جمهوری اسلامی و همچنین رویکردی به مسائل جهانی ارائه می‌دهد. فلسفه‌ی سیاسی امام خامنه‌ای ریشه در آموزه‌های اسلامی به ویژه قرآن و نهج البلاغه دارد و با در نظر گرفتن شرایط معاصر شکل گرفته است. در آثار ایشان، بسیاری از مفاهیم فلسفه‌ی سیاسی به تفصیل آمده است. در این متن به برخی از مفاهیم کلیدی فلسفه‌ی سیاسی از دیدگاه ایشان اشاره‌ی مختصری می‌شود.

[متن کامل یادداشت](#)

امام شهید در خصوص امتداد فلسفه‌ی سیاسی در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۸۲ فرمودند: «نقص فلسفه‌ی ما این است که این ذهنیت امتداد سیاسی و اجتماعی ندارد. فلسفه‌های غربی برای همه‌ی مسائل زندگی مردم، کم و بیش تکلیفی معین می‌کند: سیستم اجتماعی را معین می‌کند، سیستم سیاسی را معین می‌کند، وضع حکومت را معین می‌کند، کیفیت تعامل مردم با همدیگر را معین می‌کند؛ اما فلسفه‌ی ما به طور کلی در زمینه‌ی ذهنیات مجزّد باقی می‌ماند و امتداد پیدا نمی‌کند». ایشان به این توصیه اکتفا نکردند و خود به این امر اهتمام داشتند. آثار



پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی به مناسبت
چهلمین روز شهادت امام شهید منتشر می‌کند.

سلسله یادداشت‌های علمی
«نوآوری‌های علمی امام شهید در اندیشه سیاسی»
یادداشت شماره ۱۵

**نقش رهبر معظم انقلاب در احیای حکمت متعالیه
و امتداد آن در تمدن‌سازی نوین اسلامی**

دکتر شریف لک‌زایی
عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی



نقش رهبر معظم انقلاب در احیای حکمت متعالیه و امتداد آن در تمدن‌سازی نوین اسلامی

شریف لک‌زایی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

قضیه است. نگذارید این مجمع عالی حکمت به نحوی از انحاء ضعیف شود؛ روزه‌روز در تقویت این سعی کنید. این یک بنای مبارکی است که الحمدلله شماها همت کردید و این کار را راه انداختید؛ واقعاً «کشف طیب» است. این نگاه راهبردی نشان می‌دهد که ایشان این نهادها را به مثابه‌ی درخت طیب‌ای می‌دانند که باید ریشه‌دار و پربار شود و ثمرات آن به جامعه‌ی اسلامی برسد. همچنین تأکید ایشان بر «گسترش گفتمان فلسفه‌ی اسلامی در دنیا» نشان از افق جهانی این نگاه دارد.

[متن کامل یادداشت](#)

رهبر معظم انقلاب در تأسیس و تقویت نهادهای فلسفی، نگاهی راهبردی و تمدنی داشتند. حمایت از تأسیس بنیاد حکمت اسلامی صدرا و مجمع عالی حکمت اسلامی، تنها دو نمونه از این نگاه راهبردی است. اما آنچه این حمایت‌ها را متمایز می‌کند، نگاه ایشان به این نهادها به عنوان پایگاه‌هایی برای تمدن‌سازی اسلامی است، نه صرفاً مراکزی علمی و پژوهشی. در دیدار با اعضای مجمع عالی حکمت اسلامی در ۲۳ بهمن ۱۳۹۱، ایشان با تأکید بر تقویت این نهاد فرمودند: «هرچه می‌توانید، در استحکام و پایداری این مرکز و این کانون اصلی تلاش کنید؛ این اساس

ملت ایران بایزید زمان بیعت نخواهد کرد

این حرفهایی هم که رئیس جمهور آمریکا میزند گاهی تهدید میکند، گاهی میگوید باید فلان کار بشود، فلان کار نشود، معنایش این است که اینها در پی تسلط بر ملت ایرانند. ملت ایران درسهای اسلامی و شیعی خودش را خوب بلد است؛ میداند که چه کار کند. امام حسین علیه السلام فرمود: مِثْلِي لَا يُبَايِعُ مِثْلَ يَزِيدٍ؛ کسی مثل من، با کسی مثل یزید بیعت نمیکند. ملت ایران در واقع میگویند: ملّتی مثل ما، با این فرهنگ، با این سابقه، با این معارف عالی، با سردمدارانی مثل افراد فاسدی که امروز در آمریکا بر سر کارند، بیعت نخواهد کرد.



سلسله یادداشت‌های تحلیلی
اعضای هیئت علمی پژوهشگاه
علوم و فرهنگ اسلامی
با موضوع
جنگ رمضان



ولایت، زیر ساخت هرگونه حرکت در جامعه اسلامی است

بسم الله الرحمن الرحيم

اسلامی تبریک می گوئیم که از این پس می توانند زیر پرچم ولایت، به گسترش عبودیت خدا و ریشه کن کردن و محو طاغوت ادامه دهند و مصداق آیه باشند «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ۝ ۵۵ كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ. خدا کسانی را دوست دارد که صف زده و منظم در راه او جهاد می کنند [و از ثابت قدمی] گویی بنایی پولادین و استوارند.»

درد می فرستیم به روح پرفتوح امام کبیر و امام شهید و بیعت می کنیم با رهبر عزیزمان و آماده ایم تا کما فی السابق در صراط مستقیم الهی در ظل و ذیل عنایات صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با اطاعت از فرامین معظم له به انجام وظیفه بپردازیم.

اللهم احفظ قائدنا واجعله في درعك الحصينه التي تجعل فيها من تريد.

اللهم انصر الاسلام والمسلمين و اخذل الكفار و المنافقين

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده، آیه ۵۵)

ولایت، زیر ساخت هرگونه حرکت در جامعه اسلامی است؛ زیرا پیوند دهنده مردم مومن با خدا، و مومنین با یکدیگر، و عامل مرزبندی با دشمنان است. تجلی این ولایت از سوی خداوند متعال پس از رسول الله (ص) در ائمه معصومین علیهم السلام بوده و در عصر غیبت، در فقیه جامع الشرایط به عنوان نایب عام حضرت ولیعصر ارواحناله فداه متبلور است. ولایت، زیر بنای هرگونه نظم در جامعه اسلامی و هرگونه تلاش موفق در پرتو ولایت توحیدی است که معنایی متعالی می یابد.

از مجلس خبرگان رهبری که با درایت، به ایفای نقش تاریخی خود پرداخته و حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه ای حفظه الله را برای رهبری امت اسلامی معرفی نمودند و نگذاشتند سنگر رهبری خالی بماند، تشکر می کنیم و به آحاد ایرانیان و امت



ترامپ یک دیوانه نیست؛ او پیامبر نظم جدید جهانی است

خدا و اخلاق گذشته و «اراده معطوف به قدرت» را تنها ارزش مقبول می داند، از راه رسیده و به دنبال استقرار عناصر خود در حیات اجتماعی و تمدنی است. عصر جدید جهانی بر پایه فلسفه پسامدرن و بر بنیاد خردستیزی و اخلاق گریزی و حاکمیت رسمی زور و تزویر، در حال تولد است. تحولات جدید و برآمدن شخصیت ترامپ و حرکت های او یک اتفاق و استثناء نیست، بلکه تنها یکی از مظاهر شکل گیری این نظم نوین است که زمین پس مولودهای خود را یکی پس از دیگری نشان خواهد داد.

یکی از پیامدهای نظم جدید، آنومی جهانی و استقرار نظم در بستر بی نظمی ها و ظهور قدرت های پنهان در صورت پراکندگی ها و کثرت هاست.

فراموش نکنیم که در همین دوره های گذار است که وقایع خارق العاده شکل می گیرد، قهرمانان نوظهور به صحنه می آیند و قربانیان به مسلخ می روند و قالب جدیدی از جهان صورت بندی می شود.

این روزها از دیوانگی ترامپ و یا از تعریف انسان ترامپی به حیوان ناناطق سخن می گویند. ظاهراً فراموش می کنند که تعریف «انسان ناطق» ارسطو دیری است که در غرب مدرن به پایان رسیده و انسان هابزی که ابزار ساز و سازمان سلطه است، بر جهان چیرگی یافته. دنیای غرب توانست این تفسیر از مدرنیته را در جنگ جهانی دوم، با هژمونی فرهنگ پراگماتیستی آمریکائی به یک نظم جهانی بی رقیب تبدیل کند. نظمی که از یک سو بر پایه اقتدار سازمان های جهانی و از سوی دیگر بر نظم علمی و تکنولوژیک استوار بود. این نظم جدید که با رویه اخلاق انسان گرا، حقوق بشر، دموکراسی و قراردادهای جمعی، مشروعیت خود را بر دیگران تحمیل می کرد، چندی است که کارایی خود را برای صاحبان این پروژه از دست داده و این نظم که کمتر از یک سده بر جهان حکومت کرده است، اینک از نظر عملی، منافع بانیان خود را تامین نمی کند. و البته مهم ترین دلیل تئوریک این رویگردانی، شکست همه پایه های فلسفی، اخلاقی، علمی و الهیاتی مدرنیته است.

جهان در آستانه نظم جدیدی است و انسان نیچه ای که از



انبعاث مردم برای ظهور در کلام اندیشمندان اسلامی

نقش انبعاث و آمادگی مردم در مسیر تحقق ظهور، نقش مهم و تأثیر گذاری می باشد و در واقع اصل تحقق ظهور و تقدم و تأخر رخداد آن همیشه وابسته به انبعاث و آمادگی مردم بوده و هست.

چنانکه در قرآن خدای متعالی می فرماید: فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا پس آن گاه که وعده [تحقق] نخستین آن دو فرا رسد، بندگانی از خود را که سخت نیرومندند بر شما مبعوث می کنیم، تا میان خانه ها [یتان برای قتل و غارت شما] به جستجو درآیند، و این تهدید تحقق یافتنی است.

که امام صادق (ع) در تفسیر این آیه فرموده اند: منظور قومی است که خداوند پیش از خروج قائم مبعوثشان می کند... هیچ دشمنی و آسیبی برای آل محمد (ص) باقی نمی گذارند، مگر اینکه نابودش می کنند.

در طول تاریخ اسلامی به جهت مهم این موضوع علماء و اندیشمندان اسلامی مباحث مختلفی پیرامون نقش مردم و انبعاث آنها در مسیر تحقق بخشی به ظهور، مطرح کرده اند که در ذیل به بیان برخی از آنها اشاره می شود.

شیخ مفید: «لظهر الامام لا محاله و لم يغب بعد اجتماعهم طرفه عين». اگر اجتماع یاران تحقق پیدا کند ناگزیرا به سرعت غیبت امام تبدیل به ظهور می گردد.

شیخ طوسی: اگر مردم در جامعه نقش خود را ایفا نمایند و با انبعاث کامل پشتیبان ولی خدا بوده و به سوی زمینه سازی ظهور گام برداند، حتما ظهور تحقق پیدا خواهد کرد.

خواجه نصیر: اصل وجود امام و ظهور ایشان برای مردم نعمت است و اگر می بینیم الان از ظهور ایشان بهره مند نیستیم بخاطر عدم آمادگی و انبعاث مردم است. وَجُودُهُ لُطْفٌ وَ تَصَرُّفُهُ لُطْفٌ آخَرٌ وَ عَدَمُهُ مِثْلٌ

علامه حلی: ظهور امام و حکمرانی ایشان لطفی است که خداوند به مردم عطا می کند در صورتی که مردم به وظیفه خود که همان آمادگی و انبعاث باشد عمل نمایند، خدای متعالی ظهور امام زمان (ع) را به مردم عطا می کند «فكان منع اللطف الكامل منهم، لامن الله تعالی و لامن الامام»

سید محمد صدر (ره) در کتاب غیبت کبری، شرایط و ارکان ظهور را به اقسام چهارگانه تقسیم کرده و یکی را مربوط به خدا و

دیگری را مربوط به امام و دوتای دیگر را مربوط به مردم دانسته است و اذعان می دارد آن چیزهای که مربوط به خدا و امام است تحقق پیدا کرده ولی آنچه که مربوط به مردم است هنوز تحقق پیدا نکرده است. زیرا اگر تحقق پیدا کرده بود یعنی مردم به تمام معنا آماده بودند حتما غیبت و پنهان زیستی امام تبدیل به ظهور شده بود.

امام خمینی (ره): ما تکلیف داریم آقا! این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان - سلام الله علیه - هستیم پس دیگر بنشینیم تو خانه هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم «عَجَلٌ عَلَى فَرَجِهِ». عَجَل، با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او. و فراهم کردن اینکه مسلمین را با هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید.

رهبر شهید امام خامنه ای؛ در خطاب مردم ایران می - گوید: شما ملت انقلابی مسلمان، باید با حرکت منظم خود در تداوم انقلاب اسلامی، به فرج جهانی انسانیت نزدیک بشوید و شما باید به سوی ظهور مهدی موعود (ع) و انقلاب نهایی اسلامی بشریت و قدم به قدم، خودتان نزدیک بشوید و بشریت را نزدیک کنید. انتظار فرج این است. رهبر شهید در بیانات جدیدشان که قبل از شهادت ایراد فرمودند، می فرماید: اگر حادثه ای برای کشور اتفاق بیفتد، خداوند این مردم را مبعوث خواهد کرد و مردم کار را تمام خواهند کرد.

آیه الله آصفی: نبود یاران کافی از نظر کمی و کیفی و نبود آمادگی مردم، زمینه به تأخیر افتادن ظهور امام زمان (ع) شده است و اگر این مشکل بر طرف شود ظهور بدون تأخیر زودتر به وقوع می پیوندد.

آیه الله مکارم شیرازی؛ برای تحقق یک انقلاب همه جانبه در سطح جهان تنها وجود یک رهبر شایسته انقلابی کافی نیست بلکه آمادگی عمومی نیز لازم است و به محض تحقق آمادگی، قیام او قطعی است.

پس آمادگی و انبعاث مردم هر چه فراگیرتر و عمیق تر باشد و هر چه بیشتر با معرفت و دانایی عجین باشد و هر چه بیشتر با بصیرت و اتحاد و همدلی همراه باشد قطعاً مسیر زمینه سازی ظهور زودتر فراهم شده و مردم زودتر به فیض طلوع خورشید ولایت می رسند.



حقوق بشر دوستانه بین المللی بازیچه زورمداران غربی

این قانون چهارده قرن پیش توسط پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) اجرا می شده است. در غزه حنین مشرکان با زنان و کودکان به میدان آمده و برای از بین بردن اسلام و پیامبر (ص) نقشه کشیده بودن. آنها علیرغم پیروزی اولیه، با پایمردی برخی مسلمانان چون امیرالمؤمنین (ع) شکست خوردند و پا به فرار گذاشتند و زنان و کودکانشان اسیر شدند.

برخی مسلمانان قصد کشتن آنها را داشتند اما رسول خدا (ص) نه تنها مانع شدند بلکه زمینه آزاد سازی آنها را نیز فراهم کردند.

امروزه این قانون صوری نه تنها توسط زورمداران و جهانخواران مورد توجه قرار نمی گیرد که در یک مورد ۱۶۸ دختر دانش آموز در مدرسه شجره طوبی در شهر میناب، با حمله موشکی و ناجوانمردانه صلیبی، صهیونیستی به شهادت رسیدند. عجیب آن که نه تنها عکس العملی در برابر آن دیده نشد بلکه محکومیت در خور شأن آن توسط سازمان های مربوطه انجام نگرفت. در حالی که در جنگ روسیه علیه اوکراین عکس العمل ها متفاوت بود.

یکی از اصطلاحاتی که امروزه در عرصه بین الملل خودنمایی میکند، واژه «حقوق بشردوستانه»؛ «Humanitarian law» است. این واژه با اصطلاح حقوق بشر «Human Rights» تفاوت دارد و درگیری های مسلحانه را در بر می گیرد؛ بر این اساس «حقوق جنگ» یا «حقوق مخاصمات مسلحانه» نیز نامیده شده است.

■ خلاصه پیام حقوق بشر دوستانه بین المللی آن است که افرادی که در جنگ و درگیری شرکت ندارند یا دست از جنگ کشیده اند نباید مورد حمله قرار گیرند و نیز سلاح هایی که نظامیان را از غیر نظامیان تفکیک نمی کنند یا خسارت و آسیب های غیرضروری به بار می آورند نباید مورد استفاده قرار گیرند.

■ مطابق این قانون زنان، کودکان، افراد سالخورده، بیماران و بیمارستان ها و حتی مجروحان جنگی که در میدان نبرد نیستند در امان بوده و نباید مورد تعرض قرار گیرند.



شاخص، در شناخت «دیکتاتورها» از «رهبران شهید»

به قول کیرکگارد پادشاهان و دیکتاتورها وقتی می میرند کارشان تمام می شود؛ ولی شهیدان وقتی می میرند، کارشان تازه آغاز می شود.

امروز کار امام شهید ایران تازه آغاز شده است...

بعد از خواندن تاریخ «دیکتاتورهای فصلی روم غربی»، مدت ها در مواجهه با جریانات انحرافی و آزادی های بی قاعده در ایران، آرزوی یک دیکتاتور به جای ولی فقیه داشتم.

بعد از شهادت ولی فقیه زمان و سیدالشهدای انقلاب اسلامی و آنگاه حضور گسترده مردم ایران در صحنه، تازه به اشتباهم پی بردم.



چیزی که ترامپ را مایوس می کند

قیمت گاز طبیعی در بریتانیا ۴۲،۵۵٪ افزایش یافت
۳. «عاجل | القيادة المركزية الأمريكية: سقوط ۳ طائرات أمريكية فوق الكويت»

سه هواپیمایی آمریکایی در آسمان کویت سقوط کرد.
اکنون وقت سوگ و شمارش هزینه های خودمان نیست؛ چیزی که ترامپ و نظام سرمایه داری را سریع مایوس می کند «تلفات انسانی» و «افزایش هزینه های اقتصادی» است که نشانه های آن در حال آشکار شدن است.

جنگ در روز سوم به نقطه ای رسیده که پیامدهای آن برای طرف مقابل به تدریج آشکار می شود. به سه خبر ذیل که امروز کانال تلگرام الجزیره منتشر کرده، دقت کنید:

۱. «عاجل | قطر للطاقة: وقف إنتاج الغاز الطبيعي المسال بسبب هجوم عسكري على المرافق التشغيلية في مدينة راس لفان ومسبيد»

تولید گاز مایع در قطر متوقف شد

۲. عاجل | مجموعة بورصات لندن: ارتفاع أسعار الغاز الطبيعي البريطانية بنسبة ۴۲،۵۵٪



«نگذارید چشم‌هایتان عادت کند...»

اگر به میدان جنگ بروید. در میدان می‌توان ذیل دیالکتیک جنگ و جامعه به پرسشی چون «تغییرات جامعه توسط جنگ» و ده‌ها پرسش دیگر پرداخت.

اگر مسئول یک نهاد تبلیغی هستید، مقدمات و سیاستگذاری لازم برای «تبلیغ پسا جنگ» را در دستور قرار دهید. جامعه ایرانی و محتوای تبلیغی در پسا جنگ چه لوازمی دارد؟! همچنین شرایط حضور مبلغان در میدان به ویژه تهران را مهیا کنید.

اگر مسئول یک نهاد علمی یا دانشگاه یا پژوهشگاه هستید، اساتید، اعضای هیأت علمی و محققان خود را راهی میدان کنید. پایان‌نامه‌ها را به سمت موضوعات مرتبط به وضعیت امروز و دوران پسا جنگ سوق دهید. برای هر رشته و عرصه دانشی، در این میدان، موضوع هست.

تنها راه ماندگاری این حماسه و حضور و این تغییرات تاریخی، و ماندگاری من مبلّغ، یا من محقق یا مسئول نهاد علمی و تبلیغی، این است که نگذاریم چشمان به دیدن این زیبایی‌ها و تحولات عادت کند.

این روزها ایران عزیز شاهد تحولات عجیب و در عین حال قابل تأمل است بشرط آنکه چشم‌هایمان عادت نکند.

اگر مبلّغ هستید، تمام آنچه در حال رخ دادن است مملو از محتوای تبلیغی برای اکنون و آینده است؛ حضور بی‌نظیر مردم، تجلی آیات الهی، تفسیر آیاتی چون «لیقوم الناس بالقسط» و «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»، و غیره. این شماست که با حضور در میدان می‌توانید این تاریخ بی‌نظیر در حال گذر را به تاریخ شفاهی ثبت شده تبدیل کنید.

اگر محقق و پژوهشگرید، خود را به مثابه یک مشاهده‌گر به میانه میدان ببرید. ایران، امروز ده‌ها برابر یک کتابخانه برایتان مطلب دارد، عمق نگاه شما را افزایش می‌دهد و مسأله و رویکرد پژوهشی را جهت می‌دهد. جامعه شناسی جنگ، اقتصاد جنگ، تبلور فلسفه‌های سیاسی در جنگ، فرهنگ و جنگ و ده‌ها عرصه دانشی دیگر اکنون پیش روی نخبگان علمی ست. سرمایه اجتماعی ایجاد شده، می‌تواند توسط شما به گزاره‌ها و نظریه‌های علمی تبدیل و در نظام آموزشی تثبیت شود. آنوقت دانشجویان بجای خواندن نظرات لازارسفلد و مرتن که با نگاهی به جنگ نظریه پردازی کردند، نظرات شما را می‌خوانند البته



آخرین نکات رهبر شهید در خصوص مذاکره

می‌ماند، مذاکره نیست؛ بلکه نوعی دیکته سیاسی است. این سخنان در واقع مرزبندی روشنی میان «گفت‌وگو» و «تحمیل» ترسیم می‌کند. مذاکره زمانی معنا پیدا می‌کند که طرفین امکان دفاع از منافع خود و رسیدن به توافقی متوازن را داشته باشند. رهبر فقید انقلاب فرمودند: «این حرفهایی هم که رئیس‌جمهور آمریکا می‌زند؛ گاهی تهدید می‌کند، گاهی می‌گوید باید فلان کار بشود فلان کار نشود، این معنایش آن است که اینها در پی تسلط بر ملت ایرانند. می‌گویند بیا بیا دربارۀ انرژی هسته‌ای شما با هم مذاکره کنیم و نتیجه مذاکره بشود این که شما این انرژی را نداشته باشید. اگر مذاکره‌ای باید انجام بگیرد واقعاً، جای مذاکره نیست اگر بنا شد مذاکره‌ای انجام بگیرد، تعیین نتیجه مذاکره از قبل یک کار غلط و ابلهانه‌ای است. خب تو می‌گویی بیا با هم حرف بزنیم دربارۀ فلان موضوع، به توافق برسیم، چرا نتیجه را معین می‌کنی، باید حتماً به این توافق برسیم! خب این ابلهانه است.» ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

با تغییر میدان جنگ از عرصه نظامی به عرصه دیپلماتیک، اگر قرار بر انجام مذاکره ای است، میدان داران دیپلماسی باید در رعایت اصول اساسی در دیپلماسی دقت کنند.

در فضای پیچیده مذاکرات پیش از جنگ بود که رهبر شهید انقلاب اسلامی در آخرین مواضع خود بر چند نکته اساسی تأکید کردند. نخست آنکه مذاکره زمانی معنا دارد که نتیجه آن از پیش تعیین نشده باشد و طرفین بتوانند بر اساس منافع خود به گفت‌وگو بپردازند. دوم آنکه تهدید و فشار هم‌زمان با مذاکره نشانه تلاش برای تحمیل اراده سیاسی است. ایشان نکته‌ای بنیادین را مطرح کردند که می‌توان آن را عصاره تجربه چند دهه مواجهه با سیاست‌های آمریکا دانست. امام شهید تأکید کردند که تعیین نتیجه مذاکره از پیش، «کاری غلط و ابلهانه» است. به تعبیر ایشان، اگر قرار باشد طرف مقابل از ابتدا نتیجه‌ای مشخص را تحمیل کند - مثلاً اینکه ایران حق برخورداری از انرژی هسته‌ای را نداشته باشد - دیگر آنچه باقی



هیچ ملتی صرفاً با وجود دشمن بیرونی و خارجی نابود نمی شود

ایرانی در طول تاریخ حیات خود بارها و بارها چنین وضعیتی را تجربه کرده و البته در مواقع بسیاری نیز از آن سربلند بیرون آمده است. امروزه نیز در حال تجربه دیگری در این زمینه است. از این رو گرچه بهانه به قدر کافی برای اعتراض و تعمیق شکاف های اجتماعی مختلف در جامعه وجود دارد اما این شکاف ها نباید در این شرایط برجسته شود و موجبات ناهمبستگی اجتماعی و در نتیجه خرسندی و پیروزی دشمنان را فراهم آورد. پیروزی از نقطه ای آغاز می شود که مردم و گروه ها به صورت همبسته در کنار یکدیگر عمل کنند و شاخ متجاوزان را شکسته و تجاوزشان را در هم کوبند.

برخی شاید بر این تصور باشند که حملات خارجی به یک کشور باعث فروپاشی یک جامعه و حکومت و تجزیه یک کشور می شود. این تصور وقتی صحیح و مطابق با واقع خواهد بود که خود این جامعه مستعد چنین فروپاشی ای باشد. درواقع شاید درست تر این باشد که گفته شود دشمن خارجی هر مقدار هم که قوی باشد اما نمی تواند باعث یک فروپاشی بشود مگر اینکه آن جامعه قبل از آن از درون فروپاشیده باشد. در حقیقت، جدایی ها و گسستگی ها و شکاف های اجتماعی است که هم دشمنان را برای حمله و تجاوز به یک کشور به طمع می اندازد و هم موجبات شکست را از قبل چیده و فراهم کرده است. جامعه

رئیس پژوهشکده اخلاق و معنویت و عضو هیأت علمی گروه تربیت

حسن بوسلیکی



رهبری که توقعات را بالا برده

باید این توقع را تعدیل کرد و به نسل جوان گوشزد کرد که رهبر شهید هم اوایل تصدی رهبری، این کاریزما را که امروز سراغ داریم، نداشته، خدا به تدریج قلوب را متوجه او کرد.

رهبر سوم، هر که باشد، به فضل الهی، در مسیر رهبر شهید قرار خواهد گرفت و به تدریج صلابت و کاریزمای شایسته را کسب خواهد کرد. همان گونه که رهبر شهید در ابتدای امر، با شخصیت و جایگاه حضرت امام (ره) فاصله معناداری داشت، ولی به تدریج مشمول فضل الهی شد.

این روزها همگی منتظر تعیین رهبر سوم انقلاب از سوی خبرگان هستیم.

چیزی که کار را سخت کرده و می تواند بیم هایی را برانگیزد، توقعاتی است که رهبر شهید ایجاد کرده. او مرزهای رهبری و شخصیت سیاسی-دینی را جابجا کرد.

مردم ایران ناخودآگاه، منتظر جانشینی به همان اندازه باصلابت و کاریزماتیک هستند.

کارشناس در جایگاه هیأت علمی (گروه جریان شناسی مهدویت)

علی محمد هوشیار



نابودی اسرائیل با ظهور امام زمان (عج) ارتباط دارد

باشد، اما در مسائل توقیفی، عقل به تنهایی نمی تواند تکلیف شرعی (وجوب جنگ) تعیین کند.

۳. حکم امام خمینی (ره) درباره محو اسرائیل، حکمی سیاسی-دینی است.

وجه دینی آن نه از باب زمینه سازی ظهور، بلکه به دلیل مقابله با «نماد و مرکز ظلم و تجاوز» در جهان است.

نتیجه: مبارزه با اسرائیل یک وظیفه انسانی برای همه انسان های آزادی خواه است و ارتباط مستقیمی با مسئله ظهور ندارد.

۱. روایت «خوف از قتل» درباره علت غیبت امام، در کنار دیگر روایات مربوط به علت غیبت، از نظر سند و دلالت چندان استوار نیست و در بهترین حالت یکی از احتمالات مطرح در میان ده ها احتمال دیگر به شمار می رود؛ بنابراین نمی توان آن را مبنای یک نتیجه قطعی قرار داد.

۲. طبق روایات، نقش مؤمنان در یاری حضرت انکارناپذیر است؛ اما هیچ دلیل روایی معتبری وجود ندارد که تکلیف مؤمنان را «فراهم کردن شرایط حفظ جان حضرت» به عنوان شرط ظهور بداند. هرچند این برداشت ممکن است از نظر عقلی قابل تصور



کارکردهای حضور مردم در میدان

چرا که استمرار این حرکت خودش مردمی ضمن بازتولید باورهای اساسی انقلاب اسلامی، به نحو عملی و شایسته ای سبب انتقال ارزش های سیاسی، مذهبی و ملی به فرزندان و آینده سازان کشور می شود؛ چرخاندن پرچم، حمل تصویر رهبر و تکرار شعارها و ارزش های انقلاب اسلامی توسط کودکان، نونهالان، نوجوانان و جوانان به همراه بزرگترها سبب یادگیری و نهادینه شدن ارزش های ملی و اسلامی در آنان می شود.

بدیهی است نتیجه این اقدام ارزشمند و حضور حماسی مردم در صحنه، افزایش میزان رضایت از عملکرد دولت، افزایش مشارکت سیاسی، وحدت ملی، کسب اعتماد به نفس سیاسی و تقویت احساس تأثیرگذاری در فرایند تصمیم گیری و اداره امور کشور است؛ در واقع، مردم در این واقعه به این آگاهی رسیدند و احساس می کنند که دین، میهن، رهبر و نظام سیاسی از خودشان است و باید برای حفظ آن تا پای جان، فداکاری و ایثار نمایند.

به همین دلیل راضی به ترک صحنه و میدان نیستند. بنابراین، استمرار این حرکت حماسی مردم برای ارتقای مشروعیت و استحکام نظام سیاسی و ۷ سطح پشتیبانی از نظام و مذاکره با دشمنان عنود، بسیار ضروری و با اهمیت است. بی تردید این انبعاث و برانگیخته شدن مردم ناشی از عنایت الهی، توجه ولی عصر (عج)، خون شهدا بویژه رهبر شهید امت است. به امید پیروزی نهایی جبهه حق بر باطل.

در ایام جنگ تحمیلی سوم شاهد حضور حماسی قشرهای مختلف مردم در خیابان ها و میدان های شهرها و روستاهای ایران هستیم؛ حضور این مردم، (اعم از مرد و زن، پیر و جوان، نوجوان و کودک به همراه خانواده، پرچم بدست، با حمل تصاویر امامین انقلاب، رهبری و شهدای عزیز، پیاده و سواره)، برای خونخواهی رهبر شهید و دیگر شهدا، دفاع از وطن و نظام جمهوری اسلامی و برای حمایت از رزمندگان عزیز است؛ شعار مردم علیه جرثمه های فساد (آمریکای جهانخوار و اسرائیل غاصب) و در حمایت از ارزش ها و باورهای ایران اسلامی و نیروهای مسلح، قطع نمی شود.

مشاهده مکرر این صحنه های غرورآفرین از حیث جامعه پذیری سیاسی قابل دقت است.

از کارکردهای حضور مردم در میادین و خیابان ها طی بیش از چهل روز اخیر، حفظ و انتقال باورهای ملی اسلامی ایرانیان به نسل جدید است؛ در واقع، فرزندان ما به همراه خانواده های خویش با اهتزاز پرچم جمهوری اسلامی ایران، خواندن سرود ملی و میهنی، حمل تصاویر امامین انقلاب و مقام معظم رهبری و شهدای عالی مقام، برپایی نماز جماعت، سردادن شعارهای انقلابی علیه آمریکا و اسرائیل، حمایت از رزمندگان اسلام، دولت و رهبری، در حال تمرین یادگیری و تقویت وفاداری به میهن، مذهب، شهدا، نظام سیاسی، پرچم کشور و رهبری آن هستند؛ شاید بتوان گفت، هم اکنون بهترین حالت جامعه پذیری سیاسی پس از انقلاب اسلامی در حال انجام است.



وحدت ملی و دینی

دشمن دست در دست هم داده و شما اختلاف می کنید؟! بیدار شوید و به نبرد با دشمنان بپردازید.

در میان شما دانشمندان، حکیمان، فقیهان، قرآن شناسان، عابدان و زاهدان بسیارند.

مباد که عده ای اراذل و اوباش میان شما اختلاف بیندازند. حرفم را بشنوید، به خیرخواهی ام توجه کنید و دستورم را اطاعت کنید.

در اواخر عمر مبارک امیرمؤمنان که دشمن از هر سو به شیعیان حمله ور شده بود، چند نفر از یاران پر حرارت آن حضرت نزد او آمده و درباره خلفای پیشین سؤال کردند و نظر او را درباره آنان خواستند.

امام ناراحت شد و فرمود چه وقت این حرفهاست. می بینید که مصر به دست دشمن افتاده و پیروان مرا در آنجا کشته اند.

یعنی در این شرایط از مسائل اختلافی سخن می گوئید؟!

سپس امام نامه ای نوشت و در آن مسائلی را توضیح داد و در پایان آن فرمود:



احساس تعهد و مسئولیت شناسی و حق طلبی، در مصاف تاریخی حق و باطل

آوردن افراد بی تفاوت و بی خیال باشیم... برای بیرون آوردن این گروه از بی تفاوتی و نظاره گر بودن و جذب آنان به جبهه حق، باید به عمق جان و وجدان آنان راه یافت؛ چرا که این افراد نه الزاماً دشمن حقیقت اند، بلکه غالباً دچار غفلت، تردید یا ضعف اراده اند؛ مهم ترین گام، بیدارسازی و آگاهی بخشی به آنان است.

بسیاری از افراد بی تفاوت نه از سر دشمنی، بلکه به سبب نداشتن بصیرت دینی در برابر حق سکوت کرده اند. راهی جز روشنگری نرم، منصفانه و مدبرانه و گاهی مطالبه عمومی برای بیداری آنان وجود ندارد. گفت وگوهای عقلانی، بیان فلسفه قیام ها و مأموریت های انبیاء و تبیین نقش انسان در تحقق عدالت الهی و اهمیت حفظ نظام اسلامی و... از مهم ترین ابزارهای قرآنی برای زدودن جهل و غفلت است.

گام دیگر احیای روح مسئولیت اجتماعی و احساس تکلیف است. در فرهنگ دینی، امر به معروف و نهی از منکر نه صرفاً وظیفه ای اخلاقی، بلکه ابزاری برای شکستن سکوت و تبدیل «تماشاگر بودن» به احساس «تعهد» و مسئولیت شناسی و حق طلبی است. در بعد فرهنگی، ایجاد الگو و اسوه های حق مدار از نیرومندترین راه هاست.

جامعه وقتی قهرمانان ایمان و ایثار را در برابر خویش ببیند. همان گونه که مردم با دیدن حسین بن علی (ع) بیدار شدند. انگیزه و شجاعت بازگشت به حقیقت در آن زنده می شود. هنر، ادبیات و رسانه نیز در این نقش می توانند الهام گر باشند؛ زیرا انسان بی تفاوت بیش از هر چیز به تحول و حرکتی درونی نیاز دارد. در هر حال هنگامی که انسان احساس کند که در کنار جبهه حق، عزت، معنا و آرامش می یابد، بی تفاوتی جای خود را به تعهد می دهد. آنگاه همان کسانی که روزی تماشاگر بودند، می توانند سربازان حق و حقیقت شوند...

از دیدگاه فلسفه تاریخ شیعه، مسیر حرکت انسان در طول تاریخ چیزی فراتر از وقوع حوادث و تغییرات بیرونی است. آنچه در بطن این حرکت جریان دارد، رویارویی دائمی حق و باطل است؛ نزاعی که از آغاز آفرینش آدم آغاز شد و تا ظهور موعود الهی ادامه می یابد.

در این بین، جامعه انسانی همواره به سه دسته تقسیم می شود: گروهی که در صف حق اند، گروهی در جبهه باطل، و عده ای نیز در ظاهر بی طرف و بی تفاوت اند و موضعی تعیین نشده دارند. جبهه حق، همان پیروان حقیقت و عدالت و توحید اند؛ کسانی که در پرتو ایمان به خدا و تبعیت از امام زمان خود حرکت می کنند و تکلیف الهی را بر عافیت طلبی و زندگی ذلیلانه ترجیح می دهند. آنان مسیر تاریخ را به سوی تحقق وعده الهی. یعنی پیروزی نهایی عدالت و ایمان. سوق می دهند.

در برابرشان، جبهه باطل قرار دارد؛ کسانی که آگاهانه در برابر انبیاء و اوصیاء ایستاده اند. غرور، دنیا طلبی و انکار ولایت، ویژگی های بارز این گروه است. اگرچه گاهی در ظاهر بر کرسی قدرت می نشینند و بر حقیقت پرده می کشند، اما پیروزی شان زودگذر است. سنت الهی چنین است که باطل نمی پاید و سرانجام در برابر تابش نور حق، محو می شود.

میان این دو جبهه، گروهی دیگر نیز حضور دارند؛ مردمانی که نه آشکارا باطل را می پذیرند و نه آشکارا در کنار حق می ایستند. آنان یا از ناآگاهی در غفلت مانده اند، یا آگاه اند اما از ترس، منفعت طلبی یا راحت طلبی از موضع گیری خودداری می کنند!! در ظاهر بی تفاوت و بی طرف اند، اما سکوت و بی عملی شان زمینه تداوم ظلم و سلطه باطل را فراهم می کند.

امروز که در یکی از شرایط سخت تاریخی قرار داریم و دشمنان داخلی و خارجی با تمام قوا برای نابودی اسلام و انقلاب و مردم مومن وارد شده اند، باید بجد به دنبال جذب و به میدان



استغاثه؛ فریاد امید در دل بحران

سه برابر، از پروردگار یاری خواستند. خداوند با هزار فرشته یاریشان کرد و پیروز شدند:

«إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُم بِآلِفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ» (انفال/۹).

نوح(ع): از اندوه عظیم (توفان سهمگین) فریاد برآورد:

«فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَتَجَيَّنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ» (انبیاء/۷۶).

استغاثه، طوفان بلا را به نجات بدل ساخت.

ایوب(ع): پس از سال ها رنج و بیماری گفت: «أَنِّي مَسْنِي الضَّرَّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»؛

پاسخ الهی آمد: «فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ...» (انبیاء/۸۳ ۸۴).

رحمت الهی، درد را شفا داد.

یونس(ع): در شکم ماهی ندا داد: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ...»؛

خدا دعایش را اجابت کرد و نجاتش داد: «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَتَجَنَّبَاهُ مِنَ الْغَمِّ...»* (انبیاء/۸۷ ۸۸).

زکریا(ع): با دلی شکسته در ایام پیری از بی فرزندی ناله کرد:

«رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا...»؛

اجابت الهی آمد: «فَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ» (انبیاء/۹۰).

و همسر نازای او باردار شد!

نتیجه نهایی

در هر نمونه، ایمان راستین، عمل صالح، صدق، خضوع و امید سبب اجابت شد. استغاثه، آموزگار توحید عملی است؛ یادآور این حقیقت که در ورای همه ی اسباب، دستی از رحمت الهی آماده ی پاسخ است:

«وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ» (انبیاء/۸۸).

استغاثه، اعلام شکست نیست؛ اعلام اعتماد است. وقتی همه درها بسته می شود، دری به سوی آسمان گشوده است. خدای بدر و نوح و ایوب و یونس، خدای امروز ما نیز هست.

در روزگار سختی و گرفتاری، یکی از سفارش های مؤکد دین، استغاثه است؛ فریادخواهی و طلب یاری از خداوند در هنگامی که انسان خود را در تنگنا می بیند. این روزها بسیاری در مساجد و خانه ها نماز استغاثه می خوانند؛ نه از سر انفعال، بلکه از سر ایمان به قدرت بی پایان الهی.

استغاثه به معنای تعطیل کردن اسباب طبیعی و راه های عادی نیست. در نگاه توحیدی، همه علل و اسباب نیز تحت اراده خداونداند.

آتش اگر می سوزاند، به اذن اوست؛ و اگر اراده کند، همان آتش بر ابراهیم «بردا و سلاماً» می شود و نه تنها او را نمی سوزاند، بلکه سرد می شود (انبیاء/۶۹).

چاقو اگر می بُرد، به فرمان اوست؛ و اگر مصلحت الهی اقتضا کند، چاقوی ابراهیم(ع)، گلوی اسماعیل(ع) را نمی بُرد (صافات/۱۰۷).

همه هستی سپاه خداست؛ از «طیر ابابیل» گرفته تا شن های بیابان طبس؛ اولی سپاه ابرهه و دومی نیروهای متجاوز آمریکا را نابود می کند. هیچ نیرویی مستقل از خدا اثر نمی کند: «وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (فتح/۴)

استغاثه در هنگام اضطرار

زمانی که راه های عادی بسته می شود و انسان به ناتوانی خود آگاه می گردد، دل به آسمان می سپارد.

در لحظه درماندگی، انسان از خویشتن عبور می کند و دلش را یکسره متوجه خدا می سازد. قرآن این حالت را «اضطرار» می نامد و وعده روشن می دهد:

«أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ» (نمل/۶۲)

استغاثه، اعتراف به فقر خویش و اتصال به غنای مطلق الهی است.

اجابت استغاثه زمانی رخ می دهد که دل در برابر خدا خاشع شود و دعا از سر ایمان و یقین باشد، نه از روی عادت.

جلوه های استغاثه در قرآن

جنگ بدر: مسلمانان با جمعیتی اندک در برابر سپاه و امکاناتی



بستن تنگه هرمز

بر اساس همین نگاه است که برخی معتقدند هزینه‌های ناشی از بحران باید میان کشورها و نهادهایی که در شکل‌گیری یا جلوگیری نکردن از آن نقش داشته‌اند، تقسیم شود. در این چارچوب، بستن تنگه هرمز نیز به عنوان اقدامی مطرح می‌شود که توجه جهانیان را به پیامدهای جنگ و بی‌تفاوتی نسبت به آن جلب کند.

از این رو، بستن تنگه هرمز تنها راه دفاع از کشور و توجه دادن دیگر کشورها به آثار خسارت بار جنگ است و چه بسا اصرار بر ابقای آن تنها ابزار برای پیشگیری از نقض آشکار مقررات بین‌المللی و تجاوز به کشور باشد.

بگذریم که وقتی از آزاد بودن عبور و مرور در تنگه هرمز به عنوان ابزاری برای تهدید امنیت ایران استفاده می‌شود، خود دلیل کافی بر بازنگری در رویکردهای قبلی ایران است و نمی‌توان راه تهدید ایران را برای کشورهایی که پیش‌تاز در نقض مقررات بین‌المللی اند باز گذاشت. ادامه دارد...

راجع به بستن تنگه هرمز دیدگاه‌های مختلفی مطرح است؛ برخی آن را حق ایران می‌دانند و برخی آن را مغایر مقررات بین‌المللی تلقی می‌کنند. طبیعی است کشورهایی که از بسته شدن تنگه متضرر می‌شوند، تمایل به مخالفت و محکومیت آن دارند. فارغ از داوری در این باره، واقعیت این است که در سال‌های اخیر بارها مقررات بین‌المللی نادیده گرفته شده و در جریان همکاری‌های ایران با نهادهای بین‌المللی یا حتی کشورهای متخاصم، اقداماتی علیه ایران صورت گرفته است. اگر خسارات چنین درگیری‌هایی تنها بر دوش ایران بماند، جهان همان‌گونه که پیش‌تر بی‌تفاوت بوده، باز هم واکنشی نشان نخواهد داد و تلاشی برای دفاع از کشور آسیب‌دیده نخواهد کرد. از این رو برای جلوگیری از تکرار جنگ و نشان دادن پیامدهای واقعی آن، باید افکار عمومی جهان متوجه هزینه‌های سنگین درگیری‌ها شود؛ امری که تنها با بیان و موعظه محقق نمی‌شود و گاه توجه به پیامدهای عملی جنگ ضرورت پیدا می‌کند.



استراتژی ترامپ برای تسلط و کنترل

این جاست که قدرت تسلط و حاکمیت بر اوضاع جای خود را به نوعی سردرگمی و خستگی شناختی می‌دهد.

عاملان چنین وضعی، در حقیقت با سلب آرامش، توان اندیشیدن و تسلط بر اوضاع، به دنبال حاکمیت و تسلط بر اندیشه‌ها و تصمیمات دیگران هستند.

نتیجه: راه‌اندازی سیل اخبار با محتواهای ضدونقیض و گرفتن فرصت و شرایط تحلیل و تفکر از یک سو و تغییر مدام شرایط موجود با روایت‌سازی‌های مختلف و ندادن فرصت لازم به دیگران برای درک و تسلط بر شرایط جدید از سوی دیگر، دو ابزار مهم ترامپ برای تلاش بر تسلط و حاکمیت بر اوضاع هستند.

هدف اصلی هر فرد قدرت‌طلبی اعمال اراده‌ی خود بر دیگران است و تفاوت چنین افرادی تنها در ابزار رسیدن به آن است.

در دنیای متصل امروز، قدرت‌طلبان از استراتژی جدیدی متناسب با ابزارهای ارتباطی استفاده می‌کنند.

آن‌ها با مدیریت رسانه‌ای و تغییر مستمر شرایط به کمک اخبارها و روایات مختلف و گاه ضدونقیض، سعی در ایجاد ترس، تردید، آشفتگی و از دست دادن کنترل دیگران نسبت به موقعیت خود دارند تا از این طریق، سلطه‌ی خود را تثبیت کنند.

زمانی که رخدادهای چنان پی‌درپی و بی‌وقفه روی می‌دهند که ذهن انسان در معرض هجوم بی‌امان خبرها، تحلیل‌ها و داده‌هایی سیل‌وار قرار می‌گیرد، فرصت مکث، تأمل و درک عمیق از انسان گرفته می‌شود و افراد به جای فهم موقعیت‌ها و تصمیم‌گیری آگاهانه، ناخواسته به واکنش‌های سطحی، آنی و هیجانی فرو می‌غلطند.

هم اندیشی های علمے با موضوع

جنگ رمضان

گروه فقه سیاسی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی برگزار می کند

هم اندیشی علمی

مردم در قلب میدان

با ارائه اساتید:

احمد رضا یزدانی مقدم	محمود فلاح
مختار شیخ حسینی	مهدی فصیحی
رسول نوروزی	احمد اولیائی
علی اصغر اسلامی تنها	شریف لک زایی
علی اکبری معلم	علی محمدی هوشیار

میزبان: رضا عیسی نیا

زمان: دوشنبه ۳۱ فروردین، ساعت ۹ تا ۱۲

مکان: پردیسان، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، سالن شهید سلیمانی

لینک مجازی: dte.bz/cptconf

گروه فقه سیاسی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی برگزار می کند

بعثت مردم

خوانشی فقهی - سیاسی

با ارائه اساتید:

منصور میراحمدی، سیدسجاد ایزدهی، شمس الله مریجی
سید احسان رفیعی علوی، علی شیرخانی، روح الله شریعتی
هادی جلالی اصل، سیدعلی اصغر علوی، عبدالله نظرزاده،
محمدعلی رنجبر

به میزبانی: محمود فلاح

زمان: شنبه ۱۲ اردیبهشت، ساعت ۹ تا ۱۲

مکان: پردیسان، انتهای خیابان دانشگاه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، سالن کوثر

لینک مجازی: dte.bz/cptconf



«بعثت مردم» نقش محوری در حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی دارد

حضور خود، موجب برانگیخته شدنشان توسط خداوند شدند. این پدیده که مردم پس از پیروزی انقلاب، حدود ۴۷ سال پیایی آن را جشن می‌گیرند، در هیچ کجای تاریخ انقلاب‌های جهان سابقه ندارد؛ انقلابی که با وجود تحمیل جنگ، تحریم، توطئه، اغتشاش و کودتا، همچنان با پشتوانه مردمی استوار مانده و مردم از آن صیانت می‌کنند.

وی با تاکید بر اینکه ایستادگی مردم پای نظام و دفاع از آن در برابر تهدیدها، امری تصادفی نیست، بلکه منطقی پیشین بر روح حاکم بر جامعه را نشان می‌دهد، ادامه داد: انقلاب اسلامی بر پایه «مردم‌سالاری دینی» بنا شده است؛ در حالی که در نظام سابق، تنها چیزی که وجود نداشت، جایگاه مردم و حق تعیین سرنوشت بود. در رژیم شاهنشاهی، انتصاب افراد بر اساس وراثت و بدون توجه به شایستگی و نقش مردم صورت می‌گرفت و کرامت و عزت مردم در نظر گرفته نمی‌شد.

ایزدهی اضافه کرد: در دوران رژیم سابق، پادشاهان به سرعت از کشور فرار می‌کردند و بیگانگان با پول و سلاح خود، آن‌ها را در کشور تثبیت می‌کردند؛ حتی در قراردادهای کلان اقتصادی نیز، پادشاه کشور نقشی نداشت و مردم نیز در آن دخیل نبودند. مردم با این انقلاب آمدند تا بگویند که سرنوشت کشورشان به دست خودشان رقم خواهد خورد.

وی خاطرنشان کرد: انقلاب‌های جهان معمولاً با حضور حداقلی مردم همراه بوده‌اند، اما استمرار و ماندگاری آن‌ها مورد تردید بوده است، در حالی که انقلاب اسلامی ایران، با حضور پرشور و بنیادین مردم، توانسته بر چالش‌های فراوانی فائق آید و این نشان‌دهنده عمق مردمی بودن و پایگاه اجتماعی مستحکم آن است.

[جهت مطالعه مشروح خبر کلیک نمایید.](#)

به گزارش خبرگزاری تسنیم از قم، حجت‌الاسلام والمسلمین سید سجاد ایزدهی، رئیس پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در نشست علمی «بعثت مردم خوانش فقهی سیاسی» که به همت گروه فقه سیاسی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در سالن کوثر این پژوهشگاه برگزار شد، با اشاره به آیه ۱۱۰ سوره آل عمران، اظهار کرد: این آیه بیانگر آن است که بهترین امت، امتی است که برای مردم برانگیخته شده و وظیفه اصلی‌اش امر به معروف، نهی از منکر و ایمان به خداست.

وی افزود: تعبیر «بعثت مردم» که بیشتر در ادبیات امام خمینی (ره) جلوه دارد، به معنای برانگیخته شدن مردم توسط خداوند برای ظهور عامه‌ای است که در بزنگاه‌های حساس، مانند حوادثی که برای کشور اتفاق می‌افتد، با شور، شعور و جدیت فراوان به صحنه آمده و به حفظ و صیانت از دستاوردهای انقلاب و نظام همت می‌گذارند.

ایزدهی با طرح این سوال که چرا مردم با وجود مشکلات داخلی و فشارهای خارجی، تحریم‌ها و استکبار جهانی، همچنان در صحنه حضور یافته و خواستار استمرار و بقای نظامی هستند که با چنین فشارهایی روبه‌رو است گفت: برای تحلیل این پدیده، باید به دوران پیش از این نظام نگریست. مردم با توجه به آنچه در گذشته تجربه کرده‌اند، از بازگشت به وضعیت پیشین اکراه دارند و از حاکم شدن نظامی دیگر و جایگاه خود در آن، ابراز نگرانی می‌کنند.

رئیس پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شور و نشاط مردم در مواجهه با یک مقوله و اهتمام آنان را امری تصادفی ندانست و تصریح کرد: انقلاب اسلامی در برابر استبداد، وابستگی و فساد رژیم پهلوی رخ داد و مردم با



باور عمیق رهبر شهید به نصرت مؤمنین | پیوند سه‌گانه ایمان، اخلاص، نصرت

وی با بیان اینکه در جهان معاصر، مقاومت‌های مردمی و رویارویی‌های جبهه‌ای بین نظام سلطه و جبهه مقاومت، بدون درک عمیق سنت‌های الهی، به‌درستی فهم و تحلیل نمی‌شود، خاطرنشان کرد: در رهنمودهای قائد شهید، بارها بر این نکته تأکید شده که دشمن، به‌دلیل عدم فهم این سنت‌ها، در مواجهه با جمهوری اسلامی و مقاومت اسلامی دچار محاسبه‌ی غلط شده است.

مفهوم «سنت الهی» در قرآن

حجت الاسلام نظرزاده با اشاره به بیان رهبر شهید که «سنت» در اصطلاح قرآنی، به‌معنای «روش ثابت الهی در تدبیر عالم تکوین و تشریع» است و در آیات الهی بارها بر «تغییر ناپذیری سنت‌های الهی» تأکید شده، اظهار کرد: سنت‌های الهی قواعدی هستند که تاریخ انبیا، جوامع و حتی سرنوشت امت اسلامی را بر پایه‌ی عدل، حکمت و ربوبیت الهی و نه بر اساس خواست‌های مقطعی سامان می‌دهند.

وی افزود: ویژگی‌های سنت‌های الهی در دیدگاه تفسیری رهبر شهید انقلاب اسلامی عبارت از ثبات و تغییرناپذیری؛ عمومیت و شمول نسبت به همه‌ی اقوام و زمان‌ها؛ پیوند با ایمان، عمل و اخلاق جوامع؛ امکان شناخت از طریق قرآن و تاریخ است.

مفهوم «نصرت الهی»

عضو هیأت علمی گروه فقه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تصریح کرد: «نصرت» به‌معنای یاری کردن و تقویت کردن است. در آیات مورد بحث، نصرت الهی دو بعد دارد: بُعد تکوینی؛ دخالت مستقیم یا غیرمستقیم خداوند در تغییر موازنه‌ی قدرت (مانند جنگ بدر، نجات حضرت موسی (ع)، تغییر صحنه نبرد در دفاع مقدس)، بُعد تشریعی اجتماعی؛ اعطای هدایت، ثبات قدم، روحیه و مدیریت درونی به مؤمنان (آیات محمد: ۷ و عنکبوت: ۶۹)

[جهت مطالعه مشروح خبر کلیک نمایید.](#)

حجت الاسلام دکتر عبدالله نظرزاده، عضو هیأت علمی گروه فقه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، در گفت‌وگو با خبرنگار حوزه و روحانیت خبرگزاری تسنیم، به باورمندی عمیق رهبر شهید انقلاب اسلامی نسبت به قطعیت سنت‌های الهی در نصرت مؤمنین در نبرد حق و باطل با تکیه بر آیات قرآن کریم پرداخت و در این باره گفت: رهبر شهید انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (قدس سره) با تأکید بر یکی از محوری‌ترین آموزه‌های قرآن کریم، به تبیین سنت‌های الهی حاکم بر تاریخ و جامعه، به‌ویژه در عرصه‌ی تقابل جبهه‌ی حق و باطل پرداخته‌اند. در این میان، «نصرت الهی مؤمنان» در سخنان و رهنمودهای ایشان جایگاهی ویژه دارد که با استناد به قرآن آن را در قالب قواعد ثابت و تغییرناپذیر معرفی می‌کند.

وی افزود: تأکید رهبر شهید انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که نصرت الهی، امری حتمی و قطعی است، اما تحقق آن مشروط به عواملی همچون ایمان و اخلاص، نصرت دین خدا، صبر و استقامت، تقوا و احسان و جهاد در راه الهی است. همچنین سنت «معیت الهی» و «هدایت مجاهدان» به‌عنوان پشتوانه‌های معنوی پیروزی جبهه حق در سخنرانی‌های زیادی از سوی آن شهید عزیز تبیین شده است. در رهنمودهای ایشان، بررسی نمونه‌های تاریخی (همچون داستان موسی (ع) و جنگ احد) و تطبیق‌های معاصر (دفاع مقدس، مقاومت غزه و مواجهه‌ی جبهه‌ی استکبار با جمهوری اسلامی) نشان می‌دهد که نادیده‌گرفتن این سنت‌ها، سبب خطای راهبردی جبهه‌ی باطل در محاسبات سیاسی و نظامی می‌شود.

دکتر نظرزاده تصریح کرد: در دیدگاه تفسیری رهبر شهید، آیت‌الله امام خامنه‌ای (قدس سره) تقابل تاریخی حق و باطل از منظر قرآن کریم، صحنه‌ای تصادفی و بی‌قاعده نیست، بلکه عرصه‌ی تحقق «سنن الهی» است؛ سننی که تغییر و تبدیل در آن راه ندارد: «فَلَنْ تَجِدَ لِسَنتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسَنتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا». (احزاب: ۶۲) در این میان، وعده‌ی «نصرت الهی» به مؤمنان مجاهد، محور بسیاری از آیات جهادی و تاریخی قرآن است.



یادداشت | بازخوانی فتوای هسته‌ای امام شهید

تحریم تولید و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را تکرار کردند و این فتوا را در خصوص سایر سلاح‌های کشتار جمعی سرایت دادند و آن را جنایت علیه بشریت توصیف کردند و اعلام نمودند: «ما کاربرد این سلاح‌ها را حرام و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابنای بشر از این بلای بزرگ را وظیفه‌ی همگان می‌دانیم». ایشان از این تاریخ به بعد نیز در مناسبت‌های مختلف نظرات خود درباره‌ی ممنوعیت سلاح‌های هسته‌ای را بازگو نموده و برخی از جنبه‌های مختلف فتوای هسته‌ای خویش را تبیین نمودند.

۲. پس از صدور فتوای تاریخی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص سلاح‌های هسته‌ای، علی‌رغم استقبال فراوان مجامع فقهی و مجامع بین‌المللی، در برخی از محافل سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر غربی سعی کردند ابتدا این فتوا را نادیده بگیرند. اما بعد از اینکه در مذاکرات بین‌المللی بر آن تأکید شد و به عنوان یک سند بین‌المللی نیز در سازمان ملل به ثبت رسید، دیگر شیوه‌ی نادیده انگاشتن و انکار ممکن نبود و چون نتوانستند اصل صدور فتوای هسته‌ای آیت‌الله خامنه‌ای را انکار نمایند، اقدام دیگری را شروع کردند و آن بحث تحریف و شبهه‌افکنی در مورد این فتواست که تاکنون ادامه دارد؛ مثلاً با استناد به موضوعاتی مثل تقیه، عده‌ای بیان داشتند که در اسلام برای حفظ جان مسلمانان یا مسائل مهم کشور می‌توان به دروغ متوسل شد! یا مسائل دیگری مطرح کردند و گفتند که این فتوا، حکمی از روی مصلحت است که به سادگی قابل تغییر است و نمی‌توان آن را شاخصی قابل اتکا برای سیاست‌های بلندمدت دانست. آنها با این شبهات که ناشی از غرض‌ورزی یا عدم شناخت ماهیت دیدگاه هسته‌ای آیت‌الله خامنه‌ای می‌باشد، در پی این بودند که کارایی عملی این فتوا را زیر سؤال برند و اعلام نمایند که فتوای هسته‌ای آیت‌الله خامنه‌ای، فتوایی قابل تغییر است و از این رو نمی‌تواند در حقوق بین‌الملل یک سند تلقی شود؛ چراکه اساساً در حقوق بین‌الملل اسناد باید پایدار در نظر گرفته شوند و قابل تغییر نباشند.

[جهت مطالعه مشروح خبر کلیک نمایید.](#)

به گزارش گروه حوزه و روحانیت خبرگزاری تسنیم، حجت‌الاسلام دکتر محمد حسین پور امینی، پژوهشگر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در سلسله یادداشت‌ها و گفتارهای «نوآوری‌های علمی امام شهید در اندیشه سیاسی» که به همت پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تدوین شد، به فتوای هسته‌ای رهبر شهید پرداخت و نوشت: در سپهر روابط بین‌الملل معاصر، فتوای حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مبنی بر حرمت مطلق تولید، انباشت، نگهداری و به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای و دیگر سلاح‌های کشتار جمعی، پدیده‌ای منحصر به فرد و نقطه عطفی بنیادین در تلاقی فقه، اخلاق و سیاست راهبردی به‌شمار می‌آید. بازخوانی فتوای هسته‌ای ایشان نشان می‌دهد که این حکم، فراتر از یک موضع‌گیری گذرا، یکی از ستون‌های استوار منظومه‌ی فکری و دکتترین امنیتی ایشان است که در ۳۰ بهمن ۱۳۸۸ به صورت رسمی اعلام گردید و با پیام تاریخی به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح در تهران (فروردین ۱۳۸۹)، نه تنها به عنوان سند رسمی در سازمان ملل متحد ثبت شد، بلکه به یک مؤلفه‌ی بنیادین در سیاست خارجی و دکتترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران بدل گشت. این یادداشت در پی بررسی اجمالی ابعاد فقهی، حقوقی و راهبردی این فتوای تاریخی می‌باشد (۱).

۱. در شرایطی که در نظام حقوق بین‌الملل علی‌رغم معاهدات متعدد درباره‌ی سلاح‌های هسته‌ای، هنوز هیچ‌گونه ممنوعیت جامع و مطلق در خصوص استفاده از سلاح‌های هسته‌ای وجود ندارد، آیت‌الله خامنه‌ای که تا پیش از دهه‌ی ۱۳۸۰ از جهات مختلف، مخالفت خویش را با سلاح‌های کشتار جمعی از جمله سلاح‌های هسته‌ای اعلام نموده بودند، برای اولین بار در قالب یک فتوای فقهی در ۳۰ بهمن ۱۳۸۸ اعلام نمودند که استفاده از سلاح هسته‌ای حرام و ممنوع است. ایشان در مناسبت‌های دیگر بر این فتوا تأکید نمودند، اما نقطه‌ی اوج و کانونی فتوای هسته‌ای آیت‌الله خامنه‌ای را باید در پیام ایشان به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح و عدم اشاعه در ۲۸ فروردین ۱۳۸۹ دانست؛ چراکه ایشان فتوای



رهبر شهید به مشارکت مردم فراتر از قالب‌های مرسوم می‌اندیشید

از آشنایی و آگاهی لازم با فلسفه اسلامی و آثار علامه طباطبایی برخوردار نبودند احتمال نمی‌دادند که آن بزرگوار از فلسفه سیاسی و یا حتی اندیشه سیاسی برخوردار بوده باشد. بیان آیت‌الله شهید علاوه بر آگاهی و اشراف و دقت نظر، نشان‌دهنده آگاهی عمیق وی از مباحث فلسفی و سیاسی است که در جای خود نیاز به بسط دارد.

یزدانی مقدم فلسفه سیاسی مرحوم نائینی را از جهات مختلف چالش برانگیز دانست و افزود: شایان تقدیر است که آیت‌الله شهید، محکم و استوار از به‌کارگیری تعبیر اندیشه سیاسی نائینی و بیان اهمیت آن و برخی زوایای آن پروا نکرد. به‌طور خلاصه، نائینی از دوگونه حکومت تملیکیه و ولایتیه یاد می‌کند و حکومت در اسلام را حکومت ولایتیه معرفی می‌کند که در آن حکومت از آن مردم است و حاکم امانت‌دار حکومت است و در مقابل مردم پاسخ‌گو است و مردم به‌طور غیرمستقیم بر حاکم نظارت می‌کنند و به‌طور مستقیم نیز با مطبوعات آزاد و بیان آزاد بر نمایندگان مجلس شورا که ناظر بر حاکم هستند، نظارت و انتقاد می‌کنند. دریافت رهبر شهید از اندیشه سیاسی نائینی و تأکید بر اصطلاح اندیشه سیاسی و به‌کارگیری آن، ارزشمند و قابل تقدیر است و اختلاف دید آیت‌الله شهید با کسانی که «تنبیه الامّة و تنزیه الملة» را از محرّمات می‌دانند نشان می‌دهد. عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با اشاره به مقالات منتشره شده در دهه هفتاد که گفتمان ولایت فقیه را به حد ولایت بر محجوران تنزل داده بودند گفت: در آن زمان آیت‌الله خامنه‌ای به‌درستی اظهار داشت که ولایت فقیه با آن‌گونه ولایت که بر محجوران است، متفاوت است. ولایت فقیه، ولایت سیاسی است و همچنان‌که همه جوامع بشری نیازمند حکومت هستند، ولایت فقیه یک طرز حکومتی است که جامعه را اداره می‌کند.

حجت‌الاسلام دکتر احمدرضا یزدانی مقدم، عضو هیأت علمی گروه فلسفه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، در گفت‌وگو با خبرنگار حوزه و روحانیت خبرگزاری تسنیم به بررسی دیدگاه فلسفه سیاسی شهید آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای پرداخت و گفت: اصطلاح فلسفه سیاسی به معنی دانشی است که موضوع آن سیاست و روش آن عقلی، فلسفی و برهانی است. اندیشه سیاسی نیز به معنای خاص اندیشه‌ورزی نظام‌مند درباره موضوعات سیاسی است و ممکن است با ارجاع به مبانی فلسفی همراه باشد یا مبتنی بر مبانی فلسفی نباشد.

وی با اشاره به برگزاری کنگره سالانه بزرگداشت علامه طباطبایی در دهه شصت شمسی افزود: برگزارکنندگان همایش نزد بزرگان سیاسی آن زمان می‌رفتند تا از حمایت و پشتیبانی نظری و فرهنگی و عملی آنان برخوردار باشند. یک‌بار که به نزد آیت‌الله خامنه‌ای رفته بودند و آیت‌الله شهید، در آن زمان ریاست جمهوری ایران را بر عهده داشت، ایشان تعبیری آوردند که آن زمان بی‌نظیر و شگفت‌آور بود و آن اینکه (نقل به مضمون): «علامه طباطبایی در تفسیر میزان مبانی نظام سیاسی اسلامی را بیان کرده‌اند.» که چقدر آن تعبیر درست و استوار بود و از دقت و عمق نظر رهبر شهید حکایت می‌کرد.

استاد حوزه و دانشگاه اضافه کرد: همچنین به یاد دارم که آیت‌الله خامنه‌ای در یک سخنرانی (احتمالاً حدود سال ۱۳۵۸) در بیان تلاش‌های نظری شهید سید محمد باقر صدر و کتاب ارزشمند «فلسفتنا»، بیان داشتند که شهید صدر در این کتاب از اصول فلسفه و روش رئالیسم علامه طباطبایی بهره برده است. این بیان نیز با توجه به اشراف رهبر شهید مطلب قابل توجهی است و نشان‌دهنده دقت نظر و احاطه به موضوع است.

وی با اشاره به تصور اشتباه از سیاسی نبودن مکتب فکری و فلسفی علامه طباطبایی بیان داشت: دوستان می‌دانند که تا همین سال‌های اخیر، استفاده از تعبیر فلسفه سیاسی و حتی اندیشه سیاسی برای علامه طباطبایی مشکل بود؛ زیرا برخی که

[جهت مطالعه مشروح خبر کلیک نمایید.](#)



یادداشت | مردم سالاری دینی در فقه سیاسی امام شهید

با هدایت دین، اراده‌ی خویش را در مسیر الهی جاری می‌کنند. ایشان تصریح می‌کند که برخلاف تصور برخی، مردم سالاری دینی تقلیدی از دموکراسی غربی نیست، بلکه محصول فرهنگ اسلامی و تجربه‌ی تاریخی مردم ایران است (سید علی خامنه‌ای، دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۲). از نظر وی، «اسلام بدون مردم و مردم سالاری بدون دین، هر دو محکوم به شکست‌اند» (سید علی خامنه‌ای، خطبه‌ی نماز جمعه، ۱۳۷۹). بنابراین، در این نگرش، دین در جایگاه منبع معرفتی مردم سالاری قرار می‌گیرد و فرایند توجیه و تبیین مؤلفه‌های مردم سالاری با ارجاع به دین صورت می‌گیرد.

مبانی فقهی مردم سالاری دینی

مردم سالاری دینی در فقه سیاسی معاصر ایران بر مبانی فقهی متعددی استوار است. با توجه به رعایت اختصار در این نوشتار، تنها به سه مبناي فقهی آن از نظر آیت‌الله خامنه‌ای با هدف نشان دادن رویکرد بسیط وی اشاره می‌شود:

حاکمیت الهی: در اندیشه اسلامی، هر حاکمیتی در نهایت به خداوند بازمی‌گردد، چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (یوسف، ۴۰). بر این اساس، هیچ اراده‌ای بدون پیوند با اراده‌ی الهی نمی‌تواند مشروع گردد. آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین این اصل می‌فرماید: «اسلام حکومت را برای اقامه‌ی عدل و هدایت جامعه می‌خواهد، نه صرفاً برای اِعمال قدرت یا ترجیح اکثریت» (سید علی خامنه‌ای، سخنرانی در بیست و دوم بهمن، ۱۳۸۰).

ولایت فقیه: ولایت فقیه به عنوان پایه‌ی نظام اسلامی در تداوم الگوی امامت، بیانگر پیوند میان شریعت و تدبیر اجتماعی است. فقیه، حافظ چارچوب دین و ضامن سلامت تصمیمات مردم است. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، ولی فقیه از طرف خدا مآذون است و جامعه با پذیرش او، عملاً اراده‌ی الهی را در سطح اجتماعی محقق می‌کند (سید علی خامنه‌ای، تبیین نظریه ولایت فقیه، ۱۳۶۸).

[جهت مطالعه مشروح خبر کلیک نمایید.](#)

به گزارش گروه حوزه و روحانیت خبرگزاری تسنیم، حجت الاسلام والمسلمین دکتر میراحمدی، استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، در سلسله یادداشت‌ها و گفتارهای «نوآوری‌های علمی امام شهید در اندیشه سیاسی» که به همت پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تدوین شد، به بررسی مسأله مردم سالاری دینی در فقه سیاسی شهید آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، پرداخت و نوشت: فقه سیاسی معاصر ایران با انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ وارد مرحله‌ای نو شد که در آن، «مردم» در جایگاه مؤسس نظام سیاسی دینی ظاهر شدند. این امر موجب طرح الگوی مردم سالاری دینی برای اولین بار در فقه سیاسی معاصر ایران گردید. از رهبران فکری و نظری این دوره پس از امام خمینی، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای با تأکید بر مفهوم «مردم سالاری دینی»، کوشیده است تا پیوند میان دین و مردم را در چارچوب فقه سیاسی اسلام تبیین کند. وی در تداوم اندیشه سیاسی امام خمینی، مفهوم مردم سالاری دینی را در تداوم و تکامل مفهوم جمهوری اسلامی مطرح کرد. آیت‌الله خامنه‌ای بر خلاف بسیاری از طرفداران دموکراسی اسلامی در جهان اسلام و مردم سالاری دینی در ایران، از رویکرد تلفیقی پرهیز کرده و با رویکردی بسیط به طرح این مفهوم پرداخت. در این نوشتار کوتاه، به اختصار گزارشی از تلاش نوآورانه ایشان در طرح مردم سالاری دینی را مرور خواهیم کرد.

مفهوم مردم سالاری دینی

آیت‌الله خامنه‌ای مردم سالاری دینی را «نظامی که مردم در سرنوشت خود نقش دارند و این نقش برخاسته از ایمان دینی و التزام به احکام الهی است» تعریف می‌کند (سید علی خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹). از نظر ایشان، ترکیب «مردم سالاری» و «دین» یک ترکیب حقیقی است نه اعتباری یا تزئینی. یعنی مردم سالاری تنها در بستر دین معنا می‌یابد، زیرا در جهان بینی توحیدی، حاکمیت مطلق از آن خداست و انسان‌ها



خودآگاهی فرهنگی مردم؛ آنتی تز بحران هویت

از دست بدهد، در این صورت حتی پیشرفت‌هایی که دیگران به آن کشور تزریق می‌کنند، نمی‌تواند آن کشور را از جایگاه شایسته در مجموعه بشریت، برخوردار و منافع آن ملت را حفظ کند.

وی با اشاره به اینکه از دیدگاه رهبر شهید بحران هویت، یک تهدید راهبردی علیه استقلال سیاسی و اجتماعی کشور محسوب می‌شود، یادآور شد: بررسی جامعه‌شناسی سیاسی در ایران نیز نشان می‌دهد که بحران‌های هویت، با پیامد مستقیم در ساختار مشارکت سیاسی مواجه است؛ به این معنا که وقتی ارزش‌های دینی و انقلابی به حاشیه می‌روند، انگیزه مشارکت مردم مسلمان در عرصه‌هایی که براساس تکلیف دینی تعریف شده‌اند، کاهش می‌یابد.

این پژوهشگر حوزوی ادامه داد: افزون بر این، با افزایش گرایش به الگوهای فردگرایانه و غربی، بخش قابل توجه دیگری از شهروندان، تصمیم‌ها و الگوهای سیاسی خود را با معیارهای غیربومی هماهنگ می‌کنند و از این طریق نیز نرخ مشارکت سیاسی جامعه به صورت کاهشی در خواهد آمد.

گسترش جنگ نرم و تهاجم رسانه‌ای دشمن

حجت‌الاسلام امیدی در تبیین دومین چالش مردم‌سالاری دینی ابراز کرد: جنگ نرم در ادبیات علوم سیاسی و ارتباطات به مجموعه اقدامات غیرمستقیمی اطلاق می‌شود که هدفش تغییر باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و نهایتاً رفتارهای افراد جامعه است. این نوع جنگ عمدتاً از طریق رسانه‌های جمعی، فضای مجازی، تولیدات فرهنگی و جنگ شناختی و روانی صورت می‌گیرد.

وی با بیان اینکه این پدیده در جامعه ایرانی به علت همراه بودن با تهاجم فرهنگی سازمان یافته، نمود بیشتری پیدا کرده است، افزود: دشمنان جمهوری اسلامی در تلاش هستند تا از طریق ابزارهای مختلف فرهنگی از جمله شبکه‌های ماهواره‌ای، پلتفرم‌های اینترنتی و تولید محتواهای سرگرم‌کننده و کمپین‌های تبلیغاتی بین‌المللی، روایت‌های مطلوب خودشان را جایگزین انقلاب اسلامی کنند.

[جهت مطالعه مشروح خبر کلیک نمایید.](#)

حجت‌الاسلام دکتر مهدی امیدی، عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) در گفت‌وگو با خبرنگار حوزه و روحانیت خبرگزاری تسنیم، پیرامون چالش‌های فرهنگی مردم‌سالاری دینی و راه‌حل‌های عبور از آن در نگاه رهبر شهید انقلاب تصریح کرد: بحران هویت فرهنگی و فاصله گرفتن از ارزش‌های اصیل انقلاب اسلامی، گسترش جنگ نرم و تهاجم رسانه‌ای دشمن، شکاف نسلی و تغییر الگوهای ارزشی و تحریف تاریخ و هویت اسلامی - ایرانی، چهار چالش عمده در رابطه با مردم‌سالاری دینی هستند.

بحران هویت فرهنگی و فاصله گرفتن از ارزش‌های اصیل انقلاب اسلامی

وی در تشریح چالش نخست گفت: هویت فرهنگی جامعه، شبکه پیچیده‌ای از باورها، ارزش‌ها، نمادها و رفتارهای جمعی است که انسجام اجتماعی و جهت‌گیری تمدنی را تعیین می‌کند. در چارچوب مردم‌سالاری دینی، هویت فرهنگی مبتنی بر آموزه‌های دینی (سنت نبوی و سیره اهل بیت) است و تجربه شکل‌گیری انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نیز این هویت را در زمینه‌های تاریخی و سیاسی غنی ایران پیوند داده است.

عضو هیأت علمی مؤسسه امام خمینی خاطرنشان کرد: بحران هویت زمانی آغاز می‌شود که پیوند بینا نسلی جامعه از درون تضعیف شود؛ به این معنا که نسل‌های جدید به دلیل تغییرات سریع در فناوری ارتباطات، نفوذ گسترده فرهنگ جهانی و تهاجم افسارگسیخته رسانه‌ای، آن پیوند معرفتی، عاطفی و احساسی خودشان را با ارزش‌های اصیل انقلاب و دین و جامعه از دست بدهند.

حجت‌الاسلام امیدی افزود: از منظر فلسفه سیاسی اسلامی، حفظ هویت دینی و فرهنگی امت اسلامی به عنوان حفظ کیان ارزشی جامعه، ضرورتی غیرقابل انکار تلقی می‌شود. شهید آیت‌الله خامنه‌ای در تحلیل ماهیت بحران هویت، بر نقش بنیادین خودآگاهی فرهنگی ملت تأکید داشته و هشدار می‌دهند که اگر فرهنگی در یک کشور دچار انحطاط شود و آن کشور، هویت فرهنگی خود را



دموکراسی؛ فرمی در جست‌وجوی «محتوا»

می‌داند. (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۱۱/۰۲) و از نظر ایشان، این ولایت، مطلقه بوده و فقیه، در دوران غیبت معصوم، همان مقام حاکمیت معصوم را دارا است (خامنه‌ای، درس خارج، ۱۳۹۲/۰۹/۲۵ و ۱۳۶۶/۱۱/۰۳). البته از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، ولایت فقیه حقیقتاً نه ولایت یک شخص که ولایت فقه است. (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۱۲/۰۷) و از دیدگاه ایشان، معنای ولایت مطلقه نیز به معنای حکومت مطلقه (absolute or despotic rule) و در تزامن با مردم‌سالار بودن حکومت اسلامی نیست. این مبنا با توجه به ماهیت مردم‌سالاری، قابل تبیین است.

دموکراسی؛ فرمی در جست‌وجوی «محتوا»
دموکراسی به معنای حکومت توسط مردم به عنوان یک کل به جای یک بخش، طبقه یا منافع در یک طبقه (Scruton, ۲۰۰۷: ۱۶۹) است. در دموکراسی، قدرت عالی به طور مستقیم یا غیر مستقیم از طریق سیستم نمایندگی که معمولاً شامل انتخابات آزادی است که به صورت دوره‌ای برگزار می‌شود، اعمال می‌شود (Cambridge Advanced Learner's Dictionary / National Adult Literacy Agency (democracy, n.d., ۲۰۱۵: ۱۵). برخلاف دموکراسی به معنای حکومت برای مردم که به ماهیت حکومت توجه دارد، دموکراسی به معنای «حکومت توسط مردم»، تنها به شکل و حاکمیت اکثریت دلالت دارد و شیوه‌ای برای حل اختلاف است و چیزی درباره‌ی ماهیت قوانین نمی‌گوید. از این مسأله دو نتیجه می‌توان برداشت کرد؛

یک: قابلیت جمع دموکراسی با مکاتب فکری مختلف

دو: نیازمندی دموکراسی به نظریه‌ی پشتیبان

با توجه به پرداختن دموکراسی به بعد شکلی نظام سیاسی، در رابطه با ماهیت نظام سیاسی، نیازمند نظریه‌ای پشتیبان هستیم. زیرا دموکراسی خود سؤالاتی ایجاد می‌کند؛ چه در حوزه‌ی شکل و چه در حوزه‌ی محتوا.

[جهت مطالعه مشروح خبر کلیک نمایید.](#)

به گزارش گروه حوزه و روحانیت خبرگزاری تسنیم، حجت الاسلام دکتر هادی جلالی اصل، عضو هیأت علمی گروه فقه سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، در سلسله یادداشت‌ها و گفتارهای «نوآوری‌های علمی امام شهید در اندیشه سیاسی» که به همت پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تدوین شد، به بررسی مسأله دموکراسی و واکاوی پیوند «فرم» و «محتوا» در اندیشه سیاسی رهبر شهید انقلاب پرداخت و نوشت:

از نخستین روزهای تولد جمهوری اسلامی، این پرسش بنیادین همواره کانون چالش‌های نظری بوده است. منتقدان، ولایت فقیه را پایان دموکراسی می‌دانند و برخی مدافعان، حضور مردم را صرفاً زینتی برای نظام یا بر اساس مصلحت قلمداد می‌کنند. اما بازخوانی منظومه‌ی فکری رهبر فقید انقلاب، راه سومی را پیش روی ما می‌گذارد؛ مسیری که در آن دموکراسی نه یک انتخاب مصلحتی، بلکه ضرورتی برای تحقق دین است. این یادداشت با واکاوی مفهوم «نظریه‌ی پشتیبان»، به این پرسش پاسخ می‌دهد که چگونه ولایت فقیه، نه تنها دموکراسی را پیش فرض حکومت اسلامی تلقی می‌کند، بلکه آن را از خطر سقوط به ورطه‌ی استبداد نجات می‌دهد.

تبیین راه سوم مبتنی بر توجه به مردم‌سالاری و لوازم تحقق آن از یک سو و اندیشه‌ی سیاسی آیت‌الله العظمی خامنه‌ای از دیگر سو است.

ولایت مطلقه‌ی فقیه؛ مشروعیت‌بخش نظام اسلامی و قانون اساسی

جایگاه ولایت مطلقه فقیه در اندیشه‌ی سیاسی آیت‌الله العظمی خامنه‌ای تا آنجاست که ایشان مشروعیت همه‌ی نهادها و اصل نظام و قانون اساسی را بر اساس امضای ولی فقیه



رهبر شهید انقلاب؛ احیاگر حکمت متعالیه

راهبردی و تمدنی داشته‌اند. حمایت از تأسیس بنیاد حکمت اسلامی صدرا و مجمع عالی حکمت اسلامی تنها دو نمونه از این نگاه راهبردی است. اما آنچه این حمایت‌ها را متمایز می‌کند، نگاه ایشان به این نهادها به عنوان پایگاه‌هایی برای تمدن‌سازی اسلامی است، نه صرفاً مراکزی علمی و پژوهشی. در دیدار با اعضای مجمع عالی حکمت اسلامی در ۲۳ بهمن ۱۳۹۱، ایشان با تأکید بر تقویت این نهاد فرمودند: «هرچه می‌توانید، در استحکام و پایداری این مرکز و این کانون اصلی تلاش کنید؛ این اساس قضیه است. نگذارید این مجمع عالی حکمت به نحوی از انحاء ضعیف شود؛ روزبه‌روز در تقویت این سعی کنید. این یک بنای مبارکی است که الحمدلله شماها همت کردید و این کار را راه انداختید؛ واقعاً کَشَجَرَةُ طَیْبَةٍ». این نگاه راهبردی نشان می‌دهد که ایشان این نهادها را به مثابه درخت طیبه‌ای می‌دانند که باید ریشه‌دار و پربار شود و ثمرات آن به جامعه اسلامی برسد. همچنین تأکید ایشان بر «گسترش گفتمان فلسفه اسلامی در دنیا» نشان از افق جهانی این نگاه دارد.

امتداد فلسفه در عرصه‌های حکمرانی و تمدن‌سازی

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های نگاه رهبر معظم انقلاب به فلسفه اسلامی، تأکید بر امتداد آن در عرصه حکمرانی و تمدن‌سازی است. ایشان فلسفه را نه دانشی صرفاً ذهنی و فردی، بلکه زیربنای نظام‌سازی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌دانند. در سخنرانی در جمع اعضای مجمع عالی حکمت اسلامی، ایشان با تأکید بر این نکته فرمودند: «تکیه اساسی را باید بگذارید روی مسائل کلان جامعه اسلامی؛ مثل حکومت. ما وقتی به فلسفه‌های غرب نگاه می‌کنیم، می‌بینیم مسائلی مثل حکومت، اقتصاد، شأن مردم، شأن انسان، طبق نظرات آنها، حل می‌شود.

به گزارش گروه حوزه و روحانیت خبرگزاری تسنیم، حجت الاسلام دکتر شریف لک‌زایی، عضو هیأت علمی گروه فلسفه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، در سلسله یادداشت‌ها و گفتارهای «نوآوری‌های علمی امام شهید در اندیشه سیاسی» که به همت پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تدوین شد، به بررسی نقش رهبر معظم انقلاب در احیای حکمت متعالیه و امتداد آن در تمدن‌سازی نوین اسلامی، پرداخت و نوشت: رهبر شهید انقلاب اسلامی، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، را باید ادامه دهنده و تثبیت‌کننده مسیری دانست که رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)، در پیوند فلسفه اسلامی با انقلاب و نظام‌سازی آغاز کردند. ایشان فلسفه اسلامی و به‌ویژه حکمت متعالیه را از یک دانش حاشیه‌ای و صرفاً نظری، به متن گفتمان انقلاب اسلامی و تمدن‌سازی نوین اسلامی آوردند. از ویژگی‌های برجسته نظام فکری رهبری می‌توان به سه خصوصیت نگاه جهانی، نگاه مستمر و نگاه تحولی اشاره کرد که در اندیشه ایشان درباره تمدن‌سازی اسلامی تجلی یافته است. این نظام فکری بر پایه تربیت متعالی در سه بعد اخلاقی، اعتقادی و فقهی استوار است که از مکتب امام خمینی (ره) نشأت گرفته است. رهبر معظم انقلاب با تأکید بر جایگاه فلسفه به عنوان «علم دینی محض» و اشاره به تدریس آن در مسجد، در واقع در تلاش بود که فلسفه را از انزوای دانشگاهی خارج کرده و به متن حیات دینی و معنوی جامعه بازگرداند. ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود با اشاره به سیره امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی که در مسجد سلماسی فلسفه تدریس می‌کردند، فرمودند: «فلسفه را باید به عنوان یک علم دینی محض به حساب آورد. خب، جایش کجاست؟ جایش در مسجد است.» (بیانات در جمع اعضای مجمع عالی حکمت اسلامی، ۲۳ بهمن ۱۳۹۱)

بسط نگاه راهبردی ایشان به نهادهای فلسفی

رهبر معظم انقلاب در تأسیس و تقویت نهادهای فلسفی، نگاهی

[جهت مطالعه مشروح خبر کلیک نمایید.](#)



جهاد «قاعده» است و صلح «استثنای» آن

دکتر علی شیرخانی، استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد قم، در گفت‌وگو با خبرنگار حوزه و روحانیت خبرگزاری تسنیم، به حکمت و مصلحت در ارکان اندیشه‌ی فقهی شهید خامنه‌ای در تبیین آتش بس (هُدنه) پرداخت.

وی با بیان اینکه در آموزه‌های اسلامی، از جهاد به «جهاد دفاعی» و «جهاد ابتدایی» یاد می‌شود که رهبر شهید در کنار این دو واژه، «جهاد تبیین» را نیز اضافه کرده‌اند، گفت: اما جهاد، به‌ویژه نوع دفاعی آن، در برخی اوقات منجر به آتش بس و متارکه جنگ می‌شود که از آن در فقه اسلامی به «مهادنه» و «هدنه» تعبیر شده است؛ هرچند این واژه در اصل به معنای سکون و برای بیان صلح موقت میان مسلمانان و گروهی از کافران حربی به کار می‌رود. شیخ طوسی در المبسوط و علامه حلی در تذکره الفقهاء، قرارداد صلح و ترک کارزار و دست‌کشیدن از جنگ با کافران تا مدت معلومی را «هدنه» و «مهادنه» تعریف کرده‌اند. شهید ثانی نیز در شرح لمعه بر این باور است که مهادنه را باید امام یا کسی که امام او را برای عقد قرارداد منصوب کرده، امضا کند و قرارداد مهادنه تنها با کسانی که «جایز القتل» (نه واجب القتل) باشند، منعقد می‌گردد.

تمایز ماهوی میان «عقد هدنه» و «عقد جزیه»

دکتر شیرخانی در پاسخ به این پرسش که قرارداد هدنه با «عقد جزیه» که در قرآن نیز بدان اشاره شده است «حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ»، چه فرقی دارد، توضیح داد: تفاوت آن دو این است که در عقد جزیه، یک طرف عقد، دشمنان شکست‌خورده‌ای هستند که مسلمانان بر آنان پیروز شده، زمین‌هایشان را گشوده و دولتشان را ساقط کرده‌اند؛ در این حالت به جای مالیاتی که از دیگر مسلمانان اخذ می‌شود، از آنان جزیه گرفته می‌شود. بنابراین، آنان شهروندان دولت اسلامی، اما با حفظ دین خود هستند. حال آن‌که طرف مقابل

در مهادنه، دشمنی است که در زمین خود مستقر و حکومت و نظام مدنی‌اش استوار و برقرار است و چه بسا نیرومند. و حتی نیرومندتر از مسلمانان. باشد. به بیانی دیگر، عقد هدنه با دولت حربی و ملت پیرو آن بسته می‌شود، در حالی که عقد جزیه با مردمانی مغلوب که تابع دولت اسلامی هستند، منعقد می‌گردد.

مبانی و ادله‌ی استنباطی مشروعیت هدنه

وی با اشاره به اینکه عقل و حکمت عقلی اقتضای ترک مخاصمه دارد، به اجماع مسلمانان، هدنه، «فی الجمله» جایز است، اظهار کرد: قید «فی الجمله» گویای آن است که این جواز، مشروط به شروطی است که با فراهم نیامدن آنها هدنه حرام خواهد بود. آیاتی از قرآن نیز دال بر جواز است؛ مثل: «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، ثُمَّ لَمْ يَنْقُضُوا عَهْدَهُمْ شَيْئاً»، «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» و «وَالَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ». این آیات جواز معاهده با کفار را به رسمیت می‌شناسد و البته گرچه معاهده اختصاص به هدنه ندارد، ولی هدنه «قدر متیقن» آن به‌شمار می‌رود. همچنین آیه «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»، گرچه مفادش محدودتر از مدعا است و جواز صلح را مشروط به پیش‌قدمی دشمن برای صلح کرده، لیکن دلالت فی الجمله آن بر جواز انکارناپذیر است.

شیرخانی افزود: گفتار امام علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر نیز که می‌فرماید: «وَلَا تَدْفَعَنَّ صَلْحاً دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوُّكَ وَلِلَّهِ فِيهِ رِضًى، فَإِنَّ فِي الصُّلْحِ دَعَاً لِيُجْنُودَكَ، وَرَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ، وَأَمْنًا لِيَلَاذِكَ»، مؤید این معناست. سیره‌ی قطعی نبوی در باب پیمان‌هایی که با مشرکان، یهودیان و مسیحیان منعقد ساختند و مفاد همه آنها. مستقیماً و یا بالملازمه - به ترک جنگ و برقراری آتش بس و صلح موقت مربوط است، گواه دیگری بر جواز مهادنه با دشمن جنگی است. با توجه مطالب فوق، مبانی فقهی و استنباطی هدنه از منابع اربعه اجتهاد (کتاب، سنت، اجماع و عقل) مستخرج است.

[جهت مطالعه مشروح خبر کلیک نمایید.](#)



تبیین نوآوری‌های رهبر شهید در اندیشه سیاسی

دکتر محمد پاشایی، عضو هیأت علمی گروه فلسفه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، در گفت‌وگو با خبرنگار حوزه و روحانیت خبرگزاری تسنیم، به بررسی نوآوری‌های شهید آیت‌الله خامنه‌ای در اندیشه سیاسی پرداخت و گفت: اولین نوآوری نظریه کارکردی ولایت فقیه و نظام جمهوری اسلامی است. ایشان در تبیین نظریه ولایت فقیه، ضمن وفاداری به مبانی امام خمینی (ره)، بر جنبه‌های کارکردی و عملیاتی آن تأکید ویژه‌ای دارند. نوآوری ایشان در این زمینه بیشتر به بسط و تعمیق ابعاد کاربردی فقه سیاسی برای اداره جامعه برمی‌گردد. وی با بیان عناوین مورد توجه در محور ولایت فقیه در اندیشه رهبر شهید افزود: ولایت فقیه در اندیشه ایشان به مثابه «فقه نظام» است. در این چارچوب، ولایت فقیه نقش ناظم و هماهنگ‌کننده را ایفا می‌کند که اجرای صحیح و جامع سایر اجزای نظام را تضمین می‌نماید. همچنین بر مشروعیت مردمی در کنار مشروعیت الهی تأکید دارد. این دیدگاه، توازن میان مبانی نظری (الهی) و اقتضائات عملی (مردمی) برقرار می‌کند و از فهم سکولار مردم‌سالاری یا تقابل آن با ولایت فقیه جلوگیری می‌کند. از منظر شهید آیت‌الله خامنه‌ای، ولایت فقیه به مثابه «مدیریت راهبردی» است که شامل دوراندیشی، تشخیص اولویت‌ها، ترسیم افق‌های بلندمدت و مدیریت بحران‌ها است.

این استاد دانشگاه با اشاره به درباره مفهوم «نظام جمهوری اسلامی» در اندیشه آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای اظهار کرد: نظام جمهوری اسلامی در نظر ایشان، تجسم عملی نظریه ولایت فقیه در چارچوب یک ساختار حکومتی است. شهید آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین این نظام، بر پیوند ناگسستنی جمهوریت و اسلامیت تأکید دارد و معتقد است جمهوری اسلامی، نظامی است که بر پایه تلفیق «جمهوریت» (حاکمیت مردم) و «اسلامیت» (حاکمیت ارزش‌ها و قوانین اسلامی) بنا شده است و این دو رکن را نه تنها قابل جمع، بلکه مکمل یکدیگر می‌داند. وی یکی از محورهای کلیدی در اندیشه شهید آیت‌الله خامنه‌ای،

هدف‌گذاری برای ایجاد «تمدن نوین اسلامی» دانست و ادامه داد: نظام جمهوری اسلامی از نظر ایشان طرحی برای بازسازی و ارتقای تمدن اسلامی در جهان معاصر است. این تمدن بر پایه‌هایی چون توحید، عدالت، استقلال، عزت، علم و معنویت بنا شده و هدف آن، ارائه الگویی مترقی و کارآمد به بشریت است. عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، نظام‌سازی عملی و پویا را از خصوصیات ساختار جمهوری اسلامی دانست و افزود: جمهوری اسلامی نه یک ساختار ایستا، بلکه یک فرآیند مستمر برای انطباق با نیازهای جدید جامعه و جهان، با حفظ اصول بنیادین است و در مجموع، نوآوری‌های آیت‌الله خامنه‌ای در این حوزه، عمدتاً بر کاربردی‌سازی، جامع‌نگری، و هدف‌گذاری بلندمدت (تمدن‌سازی) متمرکز است. وی یکی از نوآوری‌های ارزشمند رهبر شهید را ترکیب مردم‌سالاری و دیانت در قالب «مردم‌سالاری دینی» دانست و گفت: مردم‌سالاری دینی، مدلی از حکومت‌داری است که تلاش می‌کند تا ضمن حفظ ارزش‌ها و مبانی بنیادین دین اسلام، اراده و مشارکت مردم را در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی دخیل سازد. این مفهوم، پاسخی به چالش چگونگی پیوند میان حاکمیت الهی و حاکمیت مردمی است. دکتر پاشایی با شرح مبانی مردم‌سالاری در این گفتمان ادامه داد: در دین اسلام، انسان دارای کرامت ذاتی و اختیار است. مردم‌سالاری دینی این کرامت را به رسمیت می‌شناسد و بر این باور است که مردم باید در تعیین سرنوشت خود نقش فعال داشته باشند. این نقش از طریق سازوکارهایی چون انتخابات آزاد، آزادی بیان، و حق نقد حاکمان فراهم می‌شود. همچنین این دیدگاه بر لزوم مشورت با مردم و جلب رضایت عمومی در تصمیم‌گیری‌های کلان تأکید می‌کند. این رضایت، لزوماً به معنای اجماع مطلق نیست؛ بلکه به معنای وجود سازوکارهایی برای شنیدن صدای مردم و لحاظ کردن نظرات آنها است.

[جهت مطالعه مشروح خبر کلیک نمایید.](#)



مفاهیم کلیدی فلسفه سیاسی در بیانات رهبر شهید

شود. پاسداری و دیده‌بانی حرکت کلی نظام به سمت هدف‌های آرمانی و عالی‌اش، مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقش ولایت فقیه است. امام بزرگوار این نقش را از متن فقه سیاسی اسلام و از متن دین فهمید و استنباط کرد؛ همچنان که در طول تاریخ شیعه و تاریخ فقه شیعی در تمام ادوار، فقهای ما این را از دین فهمیدند و شناختند و به آن اذعان کردند. البته فقها برای تحقق آن فرصت پیدا نکردند، اما این را جزء مسلّمات فقه اسلام شناختند و دانستند؛ و همین‌طور هم هست. این مسئولیت بسیار حساس و مهم، به نوبه خود، هم از معیارها و ضابطه‌های دینی و هم از رأی و خواست مردم بهره می‌برد؛ یعنی ضابطه‌های رهبری و ولایت فقیه، طبق مکتب سیاسی امام بزرگوار ما، ضابطه‌های دینی است؛ مثل ضابطه کشورهای سرمایه‌داری، وابستگی به فلان جناح قدرتمند و ثروتمند نیست (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۳/۱۴). در بیان دیگری می‌فرمایند: «رهبری و ولایت فقیه از نقطه‌های اساسی‌ای است که حرکت و جهت‌گیری اسلامی نظام را تأمین می‌کند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۳/۲۲).

۲. عدالت: عدالت، یکی از مهم‌ترین اهداف نظام سیاسی در بیانات رهبری است. ایشان بر لزوم تحقق عدالت اجتماعی، اقتصادی و قضائی تأکید دارند و معتقدند که مبارزه با فقر و تبعیض، وظیفه اصلی نظام است. ایشان تأکید دارند که «بهترین راه عدالت بنیان کردن اقتصاد همین است. اینکه ما روی مسأله عدالت که اساس کار اقتصاد در اسلام عدالت است «لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» [تأکید می‌کنیم]، عدالت بنیان کردن از این راه به وجود خواهد آمد؛ بتوانیم امکان کار کردن و درآمد کسب کردن را برای همه مردم فراهم کنیم» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۲/۰۱/۰۱)؛ و نیز در فراز دیگری فرمودند «نظام اسلامی در مکتب امام خمینی، نظام عدل و ایمان و عقل و آزادی و مردم‌گرایی است و استقلال ملی و رد نظام سلطه بین‌المللی در مکتب امام بزرگوار ما دارای چنین ریشه‌های عمیقی است.

[جهت مطالعه مشروح خبر کلیک نمایید.](#)

به گزارش گروه حوزه و روحانیت خبرگزاری تسنیم، دکتر رجبعلی اسفندیار، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، در سلسله یادداشت‌ها و گفتارهای «نوآوری‌های علمی امام شهید در اندیشه سیاسی» که به همت پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تدوین شد، به بررسی مفاهیم کلیدی فلسفه سیاسی در بیانات رهبر شهید انقلاب، پرداخت و نوشت:

امام شهید در خصوص امتداد فلسفه سیاسی در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۸۲ فرمودند: «نقص فلسفه ما این است که این ذهنیت امتداد سیاسی و اجتماعی ندارد. فلسفه‌های غربی برای همه مسائل زندگی مردم، کم و بیش تکلیفی معین می‌کند: سیستم اجتماعی را معین می‌کند، سیستم سیاسی را معین می‌کند، وضع حکومت را معین می‌کند، کیفیت تعامل مردم با همدیگر را معین می‌کند؛ اما فلسفه ما به‌طور کلی در زمینه ذهنیات مجرد باقی می‌ماند و امتداد پیدا نمی‌کند». ایشان به این توصیه اکتفا نکردند و خود به این امر اهتمام داشتند. آثار امام شهید چارچوبی فکری برای فهم نظام سیاسی جمهوری اسلامی و همچنین رویکردی به مسائل جهانی ارائه می‌دهد.

فلسفه سیاسی امام خامنه‌ای ریشه در آموزه‌های اسلامی به‌ویژه قرآن و نهج البلاغه دارد و با در نظر گرفتن شرایط معاصر شکل گرفته است. در آثار ایشان، بسیاری از مفاهیم فلسفه سیاسی به تفصیل آمده است. در این متن به برخی از مفاهیم کلیدی فلسفه سیاسی از دیدگاه ایشان اشاره مختصری می‌شود؛

۱. ولایت فقیه: مهم‌ترین رکن فلسفه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، مفهوم ولایت فقیه است. ایشان معتقدند که در شرایط غیبت امام‌زمان (عج)، فقه پروانگان باید زمام امور را به‌دست گیرند و با اتکا به فقه اسلامی، جامعه را اداره کنند. ایشان تصریح دارند که نقش ولایت فقیه این است که در این مجموعه پیچیده و درهم‌تنیده تلاش‌های گوناگون نباید حرکت نظام، انحراف از هدف‌ها و ارزش‌ها باشد؛ نباید به چپ و راست انحراف پیدا



یادداشت | وجوه مترقی انقلاب توحیدی در برابر نظام‌های تک‌ساحتی

ویژگی در طول تاریخ، مبدأ همه‌ی دعوت‌ها و نهضت‌های الهی در طول تاریخ بوده است. نهضت‌هایی که هم نفی انواع عبودیت‌ها را در نظر داشته و هم اثبات حاکمیت و وحدت همه‌ی انبای بشری را. جهان‌بینی توحیدی و نیاز بشر به هدایت آسمانی از طریق نبی / پیامبر؛ در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای، در عالم انسانی، آنچه شرط استمرار عنایت حق تعالی و شرط کمال هستی انسان و افراد انسانی است دریافت هدایت الهی از طریق انبیاء الهی است به همین جهت به اعتقاد او، بسط توحید بزرگ‌ترین هدف انبیا است.

جهان‌بینی توحیدی و نیاز بشر به امامت الهی؛ در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای، در عالم انسانی آنچه مقصود عنایت حق تعالی است تحقق توحید بر حقیقت وجودی افراد یعنی بر فکر و اندیشه و عمل و رفتار فرد افراد انسانی و بسط آن در حیات فردی و جمعی در هر سطح و مقامی و از هر قوم و نژادی و فرهنگ و جامعه‌ای است. آنچه چنین تحقق‌ی را تضمین می‌کند، استقرار حکومت اسلامی با حاکمیت امام و راهبری آن با کمالات و حیثیات علمی، معنوی و سیاسی است به طوری که با تحقق آن، زنجیر اطاعت از غیر خدا برداشته می‌شود و زمینه برای پذیرش توحید در جسم و جان و روح و روان افراد جامعه فراهم می‌گردد. به عقیده‌ی ایشان، هدف انبیاء این بود که انسان‌ها را از ولایت غیر الله خارج و به ولایت الله برساند البته از طریق حکومت. (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۵/۱۹)

حکومت حاکمان الهی، ضامن خیر و صلاح انسان‌ها و حفظ حقوق مردم است و این ویژگی اسلام است. (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۴/۱۰)

ولایت الهی و ولایت فقیه؛ در عصر غیبت، این‌که در رأس حکومت، پارساترین شخص تحت عنوان ولی فقیه قرار گیرد، عاقلانه‌ترین شیوه‌ی حکومت است که در صورت تفهیم، مورد تصدیق عقلای عالم جهان خواهد بود و در این صورت، چنین حکومتی بیشترین ضمانت استیفای حقوق مردم، همراه با بهترین شکل نظارت مردمی (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۴/۱۰) را در بردارد؛ بنابراین، نقش ولی فقیه در یک نظام سیاسی، نه نقش قدرت اجرایی و نه نمادین و سمبلیک، بلکه نقش مهندسی نظام و جلوگیری از انحراف آن است (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۳/۱۴)

[جهت مطالعه مشروح خبر کلیک نمایید.](#)

به گزارش گروه حوزه و روحانیت خبرگزاری تسنیم، مرتضی یوسفی‌راد، عضو هیأت علمی گروه فلسفه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، در سلسله یادداشت‌ها و گفتارهای «نوآوری‌های علمی امام شهید در اندیشه سیاسی» که به همت پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تدوین شد، در بررسی فلسفه‌ی سیاسی شهید آیت‌الله خامنه‌ای به جامعیت نظام ولایی و توحیدی پرداخت و نوشت: فلسفه‌ی سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، فلسفه‌ی جریان توحید در حیات بشری خاصه حیات سیاسی اجتماعی از مجرای امامت و ولایت است و در اندیشه‌ی ایشان، جریان توحید در حیات بشری از دو طریق امکان‌پذیر است: یکی رفع دو دسته تهدیدات درون‌نفسانی و برون اجتماعی؛ و دیگر استقرار حکومت اسلامی. این ایده تمام حیات علمی و مبارزاتی قبل از انقلاب و رهبری بعد از انقلاب ایشان را در بر می‌گیرد.

چارچوب نظری

جامعیت دین؛ در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای دین اسلام شامل همه‌ی نیازهای فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی، مادی و معنوی و همه‌ی آنچه در طول حیات بشری کمال و عزت و انسانیت دانسته شده است را در بر می‌گیرد، در مقابل کسانی که می‌پندارند اسلام عهده‌دار حیات معنوی می‌باشد یا برای حوزه‌ی فردی است. جهان‌بینی توحیدی آیت‌الله خامنه‌ای؛ در اندیشه‌ی توحیدی آیت‌الله خامنه‌ای، توحید، مفهوم کانونی است. بدین معنا که توحید، نظریه‌ی توجیه هستی و انسان و دکنترین چگونه زیستن است و رویکرد توحیدی نهضت‌ساز و انقلاب‌ساز و نظام‌مند به دین اسلام داشتن است. توحید، نه یک نظریه‌ی فلسفی و ذهنی و نه یک عقیده‌ی قلبی است که انسان را به سوی عبادت و معابد بکشانند، بلکه یک مبنای توجیهی هستی و انسان و یک دکنترین چگونه زیستن در ابعاد سیاسی اجتماعی و فرهنگی و زیربنای اندیشه‌ی عدالت و حقوق ذاتی مردم برای یک نهضت و انقلاب و نظام سیاسی اجتماعی در میان نظامات غیر توحیدی است. چنین



یادداشت | شهید آیت‌الله خامنه‌ای و نظریه پیشرفت سیاسی

بازگشتی است به اصالت‌های فرهنگی و معنوی. ایشان با دقتی نظری، نسبت به «بار ارزشی و معنایی» واژگان متعارف جهانی هشدار می‌دهند. استدلال معظم‌له در انتخاب کلمه پیشرفت چنین است: «کلمه پیشرفت را ما با دقت انتخاب کردیم؛ تعمداً نخواستیم کلمه «توسعه» را به کار ببریم. علت این است که کلمه توسعه، یک بار ارزشی و معنایی دارد؛ التزاماتی با خودش همراه دارد که احياناً ما با آن التزامات همراه نیستیم... ما نمی‌خواهیم یک اصطلاح جا افتاده متعارف جهانی را که معنای خاصی را از آن می‌فهمند، بیاوریم داخل مجموعه کار خودمان بکنیم. ما مفهومی را که مورد نظر خودمان است، مطرح و عرضه می‌کنیم... ما این وام نگرفتن مفاهیم را در موارد دیگری هم در انقلاب داشته‌ایم. ما از کلمه «امپریالیسم» استفاده نکردیم؛ کلمه «استکبار» را آوردیم. ممکن است یک زوایایی در معنای امپریالیسم وجود داشته باشد که مورد نظر ما نیست. حساسیت ما بر روی آن زوایا نیست؛ حساسیت ما بر روی آن معنایی است که از کلمه «استکبار» به دست می‌آید.» (بیانات، ۸۹/۹/۱۰).

از منظر ایشان، پیشرفت برخلاف توسعه غربی، صبغه «توحیدی» دارد. در این نگاه، خداوند محور هستی است و تمامی نظامات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باید در جهت بندگی او و تعالی انسان حرکت کنند. اگر توسعه غربی تنها بر رشد کمی اقتصادی تأکید دارد، پیشرفت اسلامی بر تعالی اخلاقی، معنوی و تاریخی جامعه استوار است. در واقع، «پیشرفت» مفهومی جامع است که توسعه را در بر می‌گیرد، اما توسعه لزوماً متضمن پیشرفت در ساحت‌های معنوی نیست. این گسست مفهومی، مقدمه‌ای است برای ورود به ساحت نظامات سیاسی جدید و رد وابستگی فکری به غرب.

[جهت مطالعه مشروح خبر کلیک نمایید.](#)

به گزارش گروه حوزه و روحانیت خبرگزاری تسنیم، دکتر عبدالوهاب فراتی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در سلسله یادداشت‌ها و گفتارهای «نوآوری‌های علمی امام شهید در اندیشه سیاسی» که به همت پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تدوین شد، به بررسی نظریه پیشرفت سیاسی از منظر رهبر شهید پرداخت و نوشت: در مطالعات علوم سیاسی معاصر ایران، یکی از دغدغه‌های جدی ما، فهم منطق دگرگونی‌هایی است که پس از انقلاب اسلامی در مفاهیم حکمرانی پدید آمد. پرسش بنیادین این است که چرا نظام سیاسی جمهوری اسلامی و در رأس آن آیت‌الله خامنه‌ای، به شکلی عامدانه از به‌کارگیری واژه «توسعه» پرهیز کرده و مفهوم «پیشرفت» را جایگزین آن ساخته‌اند؟ اینجا به جایی، صرفاً یک بازی زبانی یا تغییر اصطلاحی نیست؛ بلکه نشان‌دهنده یک «دگرگونی پارادایم عمیق» و تلاشی برای ارائه مدلی بومی، مستقل و غیر غربی در عرصه حکمرانی است. ما در این نوشتار برآنیم تا تبیین کنیم که چگونه مفهوم پیشرفت، به مثابه هسته مرکزی یک «پروژه سیاسی-تمدنی»، راه سومی را در مقابل الگوهای لیبرال و استبدادی می‌گشاید و نظریه «مردم‌سالاری دینی» را به عنوان راهبرد اصلی خود معرفی می‌کند.

گسست مفهومی؛ پیشرفت در تقابل با توسعه مادی

نقطه عزیمت بحث ما، نقد مبانی هستی‌شناختی واژه «توسعه» (Development) است. این واژه در ذات خود، محصول تجربه مدرنیته غربی و مبتنی بر «اومانیزم» (انسان‌محوری) است. در پارادایم توسعه، انسان محور آفریده قرار گرفته و غایت نهایی، بیشینه‌سازی رفاه مادی و لذت‌جویی فردی است؛ به‌گونه‌ای که کمال انسان در تملک بیشتر خلاصه می‌شود. اما در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، انتخاب واژه «پیشرفت» (Progress)



یادداشت | فقه به مثابه نرم افزار اداره نظام

نخستین لایه در نوآوری فقهی ایشان، در ساحت روش‌شناسی تجلی یافته است. شهید آیت‌الله خامنه‌ای با بازخوانی هرمنوتیکِ ضرورت‌های زمان و مکان، فقیه را از جایگاه راوی صرفِ متن به مقام موضوع‌شناسِ خبیر ارتقا داده‌اند. ایشان در بیانات راهبردی سال ۱۳۷۰ (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۶/۳۱)، با تفکیک فقه به دو معنای عام و خاص، وظیفه‌ی فقیه را در ساحت تخصصی، نه فقط «رد فروع به اصول»، بلکه استنباط نظام‌واره‌ی وظایف از بطن شریعت تعریف کردند.

نوآوری ایشان در این عرصه، عبور از لایه‌ی ترجمه و تفسیر سطحی و نیل به مرتبه‌ی تدبیر فقهی است. در این روش‌شناسی که به روشنی در تحلیل آیات سوره صف و مجادله و دروس خارج ایشان مشهود است (خامنه‌ای، ۱۴۰۱)، «تدبیر» دیگر یک توصیه‌ی اخلاقی یا ذوقی نیست، بلکه یک استراتژی دلال‌شناختی برای کشف ساختار وحی است. ایشان با برقراری یک گفت‌وگوی دلال‌شناختی میان نصوص دینی و واقعیت‌های عینی جامعه، تدبیر را به مثابه‌ی روشی برای استخراج قواعد حکمرانی بازتعریف می‌کنند.

در این نگاه، فقیه تنها به دنبال استخراج تکلیف فردی نیست، بلکه با نگاهی سیستمی، پیوندی وثیق میان «دال فقه» و «مدلول نظام» برقرار می‌سازد. این نگرش کل‌گرا باعث می‌شود که حتی ابوابی مانند طهارت یا عبادات، نه به عنوان احکامی منتزع و اتمیک، بلکه به عنوان قطعاتی از نرم‌افزار اداره‌ی نظام بازخوانی شوند. در این پارادایم، فقیه به مثابه‌ی یک مهندس زمان، تحولات جهانی و الزامات حکمرانی را به عنوان قرینه‌های حالیه در استنباط دخیل می‌کند تا فقه بتواند تبیین‌گر تکالیف متقابل دولت و ملت در مسیر تحقق اهداف کلان اسلام باشد. برآیند این روش‌شناسی، تولد فقه‌های تخصصی است که در آن، موضوع‌شناسی دقیق بر استنباط مقدم شده و فقه را به قلب تپنده‌ی حکمرانی سیاسی هدایت می‌کند.

[جهت مطالعه مشروح خبر کلیک نمایید.](#)

در دنیای امروز، اداره‌ی کلان جامعه‌ی اسلامی بر پایه‌ی آموزه‌های وحیانی، پیش از هر چیز نیازمند بازتعریف جایگاه فقه در هندسه‌ی معرفتی دین است. اندیشه‌ی فقهی شهید آیت‌الله خامنه‌ای در دهه‌های اخیر، فراتر از ارائه‌ی فتاوی پراکنده، نوآوری بر پایه‌ی تحول پارادایم استوار شده است که فقه شیعه را از یک دانش واکنشی و تک‌موضوعی، به «نرم‌افزار جامع مدیریت تمدن» بدل می‌سازد. ایده‌ی مرکزی این نوآوری را باید در جابه‌جایی دال مرکزی فقا‌هت جست‌وجو کرد. در پارادایم‌های سنتی، دلال‌ت احکام عمدتاً بر فعل مکلف به مثابه‌ی یک اتم مجزا و منتزع از ساختار متمرکز بود؛ اما در هندسه‌ی فکری ایشان، انتقال مدلولی از حوزه‌ی فردی به ساحت مدیریت ساختار اجتماعی رخ داده است. در این نگاه، هر حکم شرعی نه یک دستورالعمل تک‌افزاری برای رستگاری فردی، بلکه قطعه‌ای از یک پازل بزرگ برای اداره‌ی ساختارمند جامعه معنا می‌شود.

ایشان با تأکید بر اصالت «فقه جواهری» و حفظ روش‌شناسی سنتی، عمق دلال‌ت‌های فقهی را چنان گسترش داده‌اند که «دال فقه» با «دال نظام» گره خورده است. بر این اساس، فقه دیگر صرفاً یک دانش واکنشی برای پاسخ‌گویی به مسائل مستحدثه نیست، بلکه به یک دانش پیش‌کنشی و تمدن‌ساز بدل شده است. در این چارچوب، فقه تنها مجموعه‌ای از قوانین نیست، بلکه منطق حاکم بر تمامی نظامات اجتماعی اعم از اقتصاد، سیاست و فرهنگ است که وظیفه‌ی پردازش واقعیت‌های عینی و معماری نظام عادلانه را بر عهده دارد. این رویکرد، فقه را از ساحت انتزاع به میدان اجتماع آورده و آن را به عنوان یگانه نرم‌افزارِ رهایی‌بخش در برابر پارادایم‌های سکولار تثبیت می‌کند. در این یادداشت، با اتکا به روش معناشناسی، به دنبال واکاوی این پرسش هستیم که چگونه ایشان نظام دلال‌ت‌های سنتی فقهی را به نفع کلان‌روایت حکمرانی عادلانه بازتعریف کردند.

از تفسیر متنی تا تدبیر فقهی و استخراج قواعد حکمرانی

سلاحی که ناو را به قعر دریای فرستد از ناو آمریکا هم خطرناک تر است!

رئیس جمهور آمریکا مرتب هم میگوید که ارتش ما قوی ترین ارتش دنیا است. قوی ترین ارتش دنیا گاهی ممکن است آن چنان سیلی بخورد که نتواند از جا بلند شود! مدام میگویند ما ناو فرستادیم طرف ایران؛ خیلی خب، البته ناو یک دستگاه خطرناکی است اما خطرناک تر از ناو، آن سلاحی است که میتواند این ناو را به قعر دریا فروبرد.



کتاب‌های پژوهان در خصوص

پیشبرد



امامت و رهبری
در نگاه عقل و دین



پیوند همسرانه (اصول قرآنی ناظر به
روابط زوجین در بیانات رهبر معظم انقلاب)



مقاومت اسلامی از نگاه قرآن کریم بر
اساس دیدگاه‌های مقام معظم رهبری



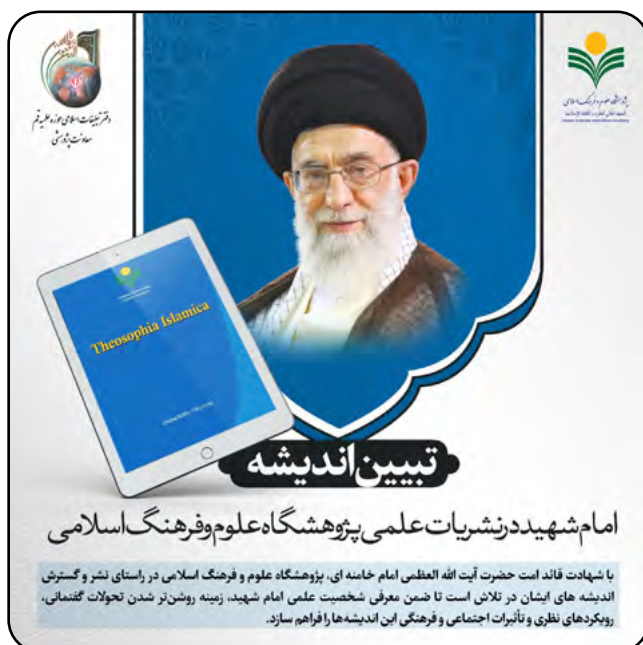
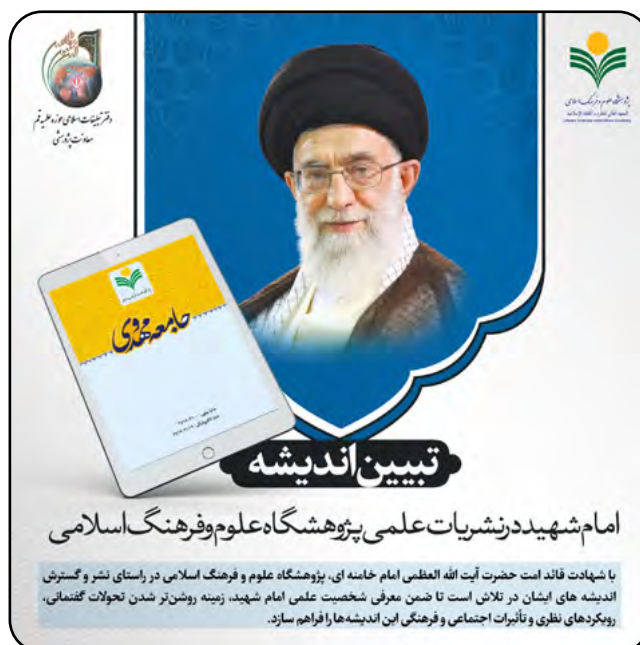
منشور انقلابی گری



رهیافت ۵ راهنمای فتاوا
(به انضمام استفتائات جدید
رهبر معظم انقلاب اسلامی)



تبیین اندیشه امام شهید در نشریات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی



سیاست دشمن در فتنه اخیر حرکت خشن مثل داعش بود

[در فتنه اخیر] سیاستشان این بود که حرکت، حرکت خشن و بی ملاحظه باشد؛ مثل حرکت داعش. تصمیم گرفتند که خشن عمل کنند؛ لذا انسان زنده را آتش میزنند، بچه را در بغل پدرش می‌کشند؛ کارهای خشن میکنند. و متأسفانه یک عده‌ای از هم میهنان ما به خاطر حرکت اینها به دیار باقی رفتند و جان باختند.



نشانی کانال‌های علمی و تخصصی اعضای هیأت علمی و محققین

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در پیام‌رسان ایتا

در روزگاری که تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی با سرعتی چشمگیر در حال رخ دادن است، بهره‌گیری از تحلیل‌ها، یادداشت‌ها و دیدگاه‌های علمی صاحب نظران حوزوی و دانشگاهی می‌تواند به فهم دقیق‌تر مسائل، ارتقای بینش علمی و شکل‌گیری گفت‌وگوی نخبگانی در میان دانشجویان، طلاب و پژوهشگران کمک کند.

در همین راستا و در مسیر تقویت ارتباط علمی میان پژوهشگران و جامعه نخبگانی کشور، نشانی برخی از کانال‌های علمی و تخصصی اساتید پژوهشگاه در پیام‌رسان «ایتا» برای استفاده علاقه‌مندان معرفی می‌شود.

کانال روابط عمومی پژوهشگاه	۱۳. دکتر مرتضی یوسفی‌راد	@MYousefiRA
۱. استاد نجف لکزایی	۱۴. دکتر رضاعیسی نیا	@sociologyir
۲. استاد محمدتقی سبحانی	۱۵. دکتر مصطفی صادقی	@Mostabin
۳. دکتر احمد اولیایی	۱۶. دکتر محمد شهبازیان	@khaketeshneh
۴. دکتر حبیب الله بابایی	۱۷. علی محمدی هوشیار	@ali.m.hoshyar
۵. دکتر شریف لکزایی	۱۸. رحیم کارگر	@magamat
۶. دکتر حسن بوسلیکی	۱۹. خدامراد سلیمیان	@kh.salimian
۷. دکتر رفیعی هنر	۲۰. مسلم کامیاب	@moslemkamyab
۸. دکتر علی اکبری معلم	۲۱. استاد یوسفی مقدم	@yousefimoqaddam
۹. دکتر مرتضی غرسبان	۲۲. استاد الهی نژاد	@elahiinejad
۱۰. دکتر مختار شیخ حسینی	۲۳. علی اسدی زنجانی	@ali.asadi.zanjani
۱۱. دکتر حمیدرضا مطهری	۲۴. دکتر اسماعیل آقابابایی	@draghababaei
۱۲. دکتر احمد یزدانی مقدم	۲۵. حجت الاسلام والمسلمین عیسی عیسی زاده	@e.eisazadeh
@nlakzaee		
@mtsobhanii		
@ahmad_olyaei		
@Habibollah.Babai		
@shariflakzaei		
@derang-gah		
@Mohyiee		
@aliakbarimoallem		
@MGharasban		
@Arabworld2023		
@Hamidreza_Motahari		
@yazdanimoghaddam		

نشانی کانال های پژوهشکده های پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در پيامرسان ایتا

پژوهشکده فلسفه و کلام

<https://eitaa.com/philtheo>

اداره نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

<https://eitaa.com/Isca-publications>

کتابخانه و اسناد پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

<https://eitaa.com/libisca>

اداره نشریات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

<https://eitaa.com/journals.isca>

پژوهشکده اسلامی و تمدنی

<https://eitaa.com/iciisca>

پژوهشکده فقه و حقوق

<https://eitaa.com/feqh-isca-ac-ir>

پژوهشکده اخلاق و معنویت

<https://eitaa.com/isca-ethics>

پژوهشکده مطالعات تمدنی و اجتماعی

<https://eitaa.com/scscenter.isca-ac-ir>

پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی

<https://eitaa.com/mfsrcisca>

هوش پژوه؛ هوش مصنوعی در خدمت پژوهش

<https://eitaa.com/hooshpajoooh>

مرکز احیا و آثار اسلامی

<https://eitaa.com/sama.isca>

رویدادهای پژوهشی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

<https://eitaa.com/events.isca>

پژوهشگاه و رویدادهای بین المللی (اداره بین المللی)

<https://eitaa.com/Isca-Intl-Events>

پژوهشکده الهیات و خانواده

<https://eitaa.com/ift-isca>

پژوهشکده تاریخ سیره و اهل بیت

<https://eitaa.com/eiscahistory>

پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن

<https://eitaa.com/maarefquran>

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

<https://eitaa.com/cpt-isca>

کتابخوان همراه پژوهان

<https://eitaa.com/pajoohaan.ir>



isca.ac.ir

به همت حوزه ریاست و روابط عمومی

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

مدیرمسئول: حجت الاسلام والمسلمین مرتضی غرسبان

سردبیر: مجتبی روحانی نژاد

با تشکر از آقای میثم بهروز

پردیسان، انتهای بلوار دانشگاه

